

چالش‌های زیست‌بومی



دفتر پنجم

ژوئیه ۲۰۲۵ - مردادماه ۱۴۰۴

فهرست مطالب

صفحه ۳	عدالت محیط‌زیستی و عدالت اقلیم.....
	بهروز خلیق
صفحه ۴	۱۷ اصل عدالت زیست‌محیطی.....
صفحه ۶	قطعه‌نامه سازمان ملل متحد پیرامون عدالت اقلیمی.....
	و مسئولیت حقوقی کشورها
صفحه ۸	نظر کارشناسان: چرا "عدالت اقلیمی" اهمیت دارد؟.....
صفحه ۱۰	امپریالیسم اکولوژیکی.....
	جان بلامی فاستر
صفحه ۱۲	روز اقدام برای عدالت محیط‌زیست.....
صفحه ۱۳	آثار زیست‌محیطی و انسانی جنگ ۱۲ روزه.....
	فاجعه‌ای خاموش
	مهدی ابراهیم زاده
صفحه ۱۵	طبیعت، قربانی خاموش جنگ‌ها.....
صفحه ۱۶	تغییرات اقلیمی، حقوق بشر و عدالت اجتماعی.....
	پری اس. لوی و جانان پاتز - مترجم: مریم پورتنگستانی

عدالت محیط‌زیستی و عدالت اقلیمی

بهروز خلیق



مرتبط با تغییرات اقلیمی می‌پردازد. به طور خلاصه، عدالت اقلیمی بررسی می‌کند که چه کسانی بیشترین سهم در تولید گازهای گلخانه‌ای دارند و چه کسانی بیشترین آسیب را از پیامدهای تغییر اقلیم می‌بینند. به عنوان مثال، جنبش عدالت اقلیمی تأکید می‌کند که کشورهای ثروتمند و منابع صنعتی که سهم عمده‌ای در ایجاد بحران اقلیمی دارند، باید پاسخگو باشند و به کشورهای آسیب‌پذیر کمک کنند.

بر اساس تحقیقات آکسفام که به عنوان سازمان بین‌المللی برای مبارزه با فقر کار می‌کند، از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۵، فقیرترین نیمه جهان، که آسیب‌پذیرترین کشور در برابر اثرات تغییرات آب و هوایی است، تنها مسئول ۷ درصد از انتشار گازهای گلخانه‌ای جهان بوده است. با این حال، بیش از نیمی از آن توسط ثروتمندترین ۱۰ درصد مردم جهان ایجاد می‌شود. از نیمه دوم قرن ۱۸، زمانی که انقلاب صنعتی آغاز شد، کشورهایی که اکنون ایالات متحده و اتحادیه اروپا هستند، مسئول ۴۷ درصد از انتشار کربن جهان بوده‌اند، در حالی که تمام آفریقا و آمریکای جنوبی تنها مسئول ۶ درصد از انتشار کربن بوده‌اند.

گروهی متشکل از ۱۵ هزار دانشمند در سال گذشته نسبت به وقوع فاجعه اقلیمی غیرقابل بازگشت هشدار دادند. این دانشمندان حدود یک ماه پیش از نشست بین‌المللی تغییرات اقلیمی در آذربایجان، اعلام کردند که جهان در آستانه یک "مرحله بحرانی و غیرقابل پیش‌بینی در بحران اقلیمی" قرار دارد. آن‌ها در بخشی از این گزارش به مسئله عدالت اقلیمی پرداختند. به گفته این دانشمندان، افراد ثروتمندی که بیشترین گازهای گلخانه‌ای را منتشر می‌کنند، عموماً در برابر تأثیرات آب و هوایی آسیب‌پذیری کمتری دارند.

به طور کلی، بسیاری از قربانیان تغییرات اقلیمی در وهله اول مسئولیت ناچیزی در ایجاد و انتشار گازهای گلخانه‌ای دارند که عامل تغییرات اقلیمی‌اند. کشورهای در حال توسعه، سرانه تولید و انتشار گازهای گلخانه‌ای کمتری نسبت به کشورهای اصلی آلاینده دارند. جوامع کم درآمد، رنگین پوستان، افراد بومی، افراد دارای معلولیت، افراد مسن یا کم سن و سال، زنان و ... همه می‌توانند در معرض خطرات ناشی از تأثیرات اقلیمی مانند توفان، سیل، افزایش آتش سوزی، گرمای شدید، کیفیت پایین هوا، دسترسی به آب و غذا و ناپدید شدن و زیر آب رفتن سواحل باشند.

تاریخچه عدالت محیط‌زیستی و اقلیمی

طرح عدالت محیط‌زیستی ریشه در جنبش‌های اجتماعی و اندیشه‌های نظری دارند. جنبش عدالت محیط‌زیستی در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ در ایالات متحده پدیدار شد و خواستار "محیط‌زیست پاک برای همه" شد. از جمله نقاط عطف این جنبش، اعتراضات

بر اساس تحقیقات آکسفام که به عنوان سازمان بین‌المللی برای مبارزه با فقر کار می‌کند، از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۵، فقیرترین نیمه جهان، که آسیب‌پذیرترین کشور در برابر اثرات تغییرات آب و هوایی است، تنها مسئول ۷ درصد از انتشار گازهای گلخانه‌ای جهان بوده است. با این حال، بیش از نیمی از آن توسط ثروتمندترین ۱۰ درصد مردم جهان ایجاد می‌شود.

عدالت محیط‌زیستی (Environmental Justice) ایده‌ای است که بر برابری در دسترسی به محیط‌زیست سالم و مشارکت برابر همه جوامع در تصمیم‌گیری‌های مرتبط با محیط تأکید دارد. عدالت اقلیمی، با این فکر آغاز می‌شود که اثرات زیانبار تغییرات اقلیمی و گرم شدن آب و هوا، در بین همه مردم به طور عادلانه احساس نمی‌شود. یعنی افراد یا جوامعی که نقشی در این تغییرات ندارند یا نقش کمتری دارند نسبت به افراد یا جوامع دیگری که نقش عمده و اساسی در این تغییرات دارند، خسارت‌های بیشتری گریبانگیرشان می‌شود. تغییرات آب و هوایی، موضوعی اجتماعی است و می‌تواند زندگی روزمره هر انسانی را به انحاء مختلف، برهم زند. اما همه تأثیرات آب و هوایی یکسان شکل نمی‌گیرند یا به طور منصفانه توزیع نمی‌شوند. تغییرات آب و هوایی، از افزایش شدید دما تا بالا آمدن سطح آب دریاها، اغلب تأثیرات نامتناسبی بر جوامعی دارند که از نظر تاریخی به حاشیه رانده شده‌اند یا محروم و کم برخوردارند.

عدالت اقلیمی (Climate Justice) مفهومی است که به نابرابری‌های اجتماعی، اقتصادی و حقوق بشری

۱۷ اصل

عدالت زیست محیطی



عدالت زیست محیطی یک جنبش اجتماعی است که از ضرورت دسترسی همه جوامع، صرف نظر از رنگ، درآمد، خاستگاه یا نژاد، به محیط‌های سالم برخاسته است. ۱۷ اصل عدالت زیست محیطی، مفاهیم پایه و اساس عدالت زیست محیطی است:

۱. تأیید می‌کند که محیط زیست مقدس است، همه چیز روی زمین از نظر اکولوژیکی به هم پیوسته و به هم وابسته است و هر گونه‌ای حق دارد از آسیب‌های اکولوژیکی در امان باشد.
۲. ایجاب می‌کند که همه سیاست‌های عمومی مبتنی بر عدالت و احترام متقابل برای همه افراد، بدون جانبداری یا تعصب باشد.
۳. از حق استفاده مسئولانه از زمین و منابع تجدیدپذیر به شیوه‌ای متعادل به منظور ایجاد سیاره‌ای پایدار برای بشریت و سایر موجودات زنده حمایت می‌کند.
۴. درخواست حمایت جهانی در برابر آزمایش‌های هسته‌ای بی‌رویه، ساخت و دفع زباله‌ها و آلاینده‌های خطرناک، و آزمایش مواد هسته‌ای را دارد که حق اساسی هوای پاک، آب، زمین و غذا را به خطر می‌اندازد.
۵. حق اساسی هر فرد برای خودمختاری اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و زیست محیطی را تأیید می‌کند.

سال ۱۹۸۲ در ایالت کارولینای شمالی در اعتراض به دیپوی مواد سمی در محل زندگی جوامع آفریقایی‌تبار بود که توجه ملی را جلب کرد. این جنبش بعدها توسط گزارش‌ها و سیاست‌های دولتی مورد توجه قرار گرفت؛ مثلاً در سال ۱۹۹۴ دولت آمریکا دستوری اجرایی صادر کرد که عدالت زیست‌محیطی را به‌عنوان سیاست ملی مطرح نمود. در زمینه نظری، عدالت محیط‌زیستی با مفاهیمی همچون حقوق بشر محیطی، اخلاق زیست‌محیطی و مبارزات حقوق شهروندی و ضدنژادپرستی (Environmental Racism) پیوند خورده است.

مفهوم عدالت اقلیمی به موازات گفتگوهای بین‌المللی تغییر اقلیم ظهور کرد. در کنفرانس‌های جهانی اقلیمی (مانند پروتکل کیوتو و معاهده پاریس)، بارها اصل «مسئولیت‌های مشترک اما متفاوت (CBDR)» تأکید شد که خود با ایده عدالت اقلیمی ارتباط نزدیک دارد. به تدریج، فعالان و پژوهشگران حقوق بشر و محیط‌زیست، تمرکز را به این مسئله معطوف کردند که پیامدهای گرمایش زمین بر اقشار و کشورهای نامتناسب است. برای مثال، دبیرکل سازمان ملل صریحاً گفته است: "همان‌طور که همیشه موضوع بود، ابتدا فقرا و آسیب‌پذیرها خواهند بود که رنج می‌برند و بیشترین ضربه را می‌بینند." گزارش‌ها و مقالات متعددی توجه خود را به ارتباط تغییر اقلیم با عدالت بین‌نسلی، عدالت اجتماعی و برابری‌های اقتصادی و حقوق بشری معطوف کرده‌اند. همچنین جنبش "عدالت اقلیمی" در سال‌های اخیر بخش مهمی از جنبش کلی محیط‌زیست محسوب شده است و تلاش دارد تا سوءتوزیع تأثیرات اقلیمی (بین غنی‌ها و فقرا، مردان و زنان، نسل‌ها و غیره) را رفع کند.

حقوق طبیعت

فراتر از انسان

امروزه بسیاری از حقوق‌دانان و فعالان محیط‌زیست معتقدند باید از نگاه سنتی انسان‌محور به زیست‌محور حرکت کنیم. این دیدگاه می‌گوید طبیعت به‌جز بستر زندگی انسان، خودش نیز اهمیت مستقل دارد و موجودی باارزش و دارای حقوق ذاتی است.

بدون این تغییر نگرش، حفاظت محیط‌زیست همواره در اولویت‌های پایین‌تری قرار خواهد گرفت و قربانی منافع کوتاه‌مدت و سیاسی می‌شود. اعطای حقوق مستقل به طبیعت، راهی است برای بهبود قوانین و افزایش مسئولیت‌پذیری کشورها در جنگ‌ها.

۱۷. مستلزم آن است که ما تصمیمات شخصی و مصرف‌کننده را بگیریم تا از منابع زمین تا حد امکان کمتر استفاده کنیم و تا حد امکان زباله کمتری تولید کنیم. برای اطمینان از جهانی سالم برای نسل‌های آینده، باید تصمیم بگیریم که شیوه زندگی خود را اولویت بندی و به چالش بکشیم.

جنبش‌های عدالت محیط‌زیستی

جنبش‌های عدالت محیط‌زیستی از دهه ۱۹۸۰ میلادی، به‌ویژه در ایالات متحده، با اعتراض به مکان‌یابی صنایع آلاینده در محله‌های فقیر یا سیاه‌پوست آغاز شدند. با گذشت زمان، این جنبش‌ها در سراسر جهان گسترش یافتند و امروزه بخشی از تلاش‌های گسترده‌تر برای عدالت اقلیمی، حقوق زمین، حاکمیت بومی، و مقاومت در برابر پروژه‌های مخرب محیط زیستی هستند. فعالان این جنبش‌ها با بهره‌گیری از ابزارهای مدنی، حقوقی و رسانه‌ای در پی تغییر سیاست‌ها، افزایش آگاهی عمومی و تضمین مشارکت برابر جوامع در تصمیم‌گیری‌های زیست‌محیطی‌اند.



گرمایش جهانی: انقراض

۶. خواستار پایان دادن به تولید زباله‌های سمی و مواد رادیواکتیو است و تولیدکنندگان گذشته و حال را در قبال مردم، سم زدایی و مدیریت زباله‌های خطرناک در نقطه تولید پاسخگو می‌داند.

۷. خواستار حق مشارکت به عنوان شرکت کنندگان برابر در هر تصمیم‌گیری در مورد محیط زیست خود، از جمله ارزیابی نیازهای آنها بر اساس ارزیابی‌ها است.

۸. حق هر کارگر را برای داشتن یک محل کار امن و سالم، بدون نیاز به انتخاب بین بیکاری و منبع درآمد خطرناک تأیید می‌کند. همچنین تأیید می‌کند که کارگران خانگی حق دارند از خطرات زیست محیطی دور باشند.

۹. از حقوق افراد آسیب دیده از بی‌عدالتی زیست محیطی برای دریافت غرامت و غرامت کامل برای صدمات خود و همچنین مراقبت‌های بهداشتی عالی حمایت می‌کند.

۱۰. هر گونه بی‌عدالتی زیست محیطی که توسط دولت مرتکب می‌شود، نقض قوانین بین‌المللی؛ کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد نسل‌کشی و اعلامیه جهانی حقوق بشر می‌داند.

۱۱. باید یک رابطه ملی و حقوقی بین بومی منطقه‌ای و دولت را از طریق توافق نامه‌ها، پیمان‌ها و معاهداتی که بر تعیین سرنوشت و برنامه‌ریزی، اجرا و اجرای حاکمیت تأکید می‌کند، به رسمیت بشناسد.

۱۲. لزوم راهبردهای اکولوژیک شهری و روستایی برای پاکسازی و بازسازی مناطق شهری و روستایی به گونه‌ای که با طبیعت هماهنگ باشند و ضمن حفظ و ارج نهادن به یکپارچگی فرهنگی جوامع و تضمین دسترسی عادلانه به همه منابع موجود، مورد تأکید قرار دهند.

۱۳. خواستار اجرای اصول رضایت آگاهانه و پایان دادن به آزمایش و آزمایش روش‌های پزشکی و باروری، کالاها و واکسن‌ها بر روی افراد رنگین پوست است.

۱۴. علیه اقدامات مخرب انجام شده توسط شرکت‌های بزرگ استدلال می‌کند.

۱۵. اشغال، استثمار و سرکوب زمین، مردم و فرهنگ‌های متعدد و اشکال مختلف زندگی توسط ارتش را رد می‌کند.

۱۶. خواستار توانمندسازی نسل‌های حال و آینده برای رسیدگی به دغدغه‌های اجتماعی و زیست محیطی بر اساس تجربه فعلی و آگاهی از دیدگاه‌های متنوع فرهنگی است.

قطعهنامه سازمان ملل متحد

پیرامون عدالت اقلیمی و مسئولیت حقوقی کشورها



در سال ۲۰۱۱ کشورهای جزیره‌ای پالائو و جزایر مارشال در اقیانوس آرام اولین کشورهایی بودند که مجمع عمومی سازمان ملل متحد را برای اخذ نظر مشورتی از دیوان بین‌المللی دادگستری در مورد مسائل مربوط به تغییرات اقلیمی دعوت کردند. با تکیه بر این تلاش، ۲۷ دانشجو از دانشگاه اقیانوس آرام جنوبی یک کمپین (PISFCC) برای گرفتن نظر مشورتی از دیوان در مورد قانون تغییرات اقلیمی و قوانین حقوق بشر ایجاد کردند. در سال ۲۰۱۹ آنها رهبران مجمع‌الجزایر اقیانوس آرام را متقاعد کردند که مسائل مربوط به تغییرات اقلیمی و حقوق بشر را به دیوان بین‌المللی دادگستری ببرند.

مجمع عمومی ملل متحد یک قطعهنامه مهم را در تاریخ ۲۹ مارس ۲۰۲۳ در زمینه عدالت اقلیمی تصویب کرده است. این قطعهنامه عدالت اقلیمی و مسئولیت حقوقی کشورها به دیوان کیفری بین‌المللی (ICJ) ارجاع می‌دهد و از آن می‌خواهد که مسئولیت دولت‌ها در حفاظت از اقلیم و پیامدهای نقض تعهدات اقلیمی را مشخص کند. این قطعهنامه به ابتکار وانواتو، کشور کوچک جزیره‌ای در اقیانوس آرام، راه اندازی شده بود و به اتفاق آراء تصویب شد. انتونیو گوترش، دبیرکل سازمان ملل متحد بعد از تصویب قطعهنامه گفت که گرچه این قطعهنامه از دید حقوق بین‌الدول الزام‌آور نیست، اما ارزیابی دیوان کیفری بین‌المللی از عدالت اقلیمی «به مجمع عمومی، ملل متحد و دولت‌های عضو کمک می‌کند تا تضامیم شجاعانه‌تر و قوی‌تری را که جهان در راستای حفاظت از اقلیم نیاز دارد اتخاذ کنند».

نخستین باری بود که عدالت اقلیمی از منظر حقوق بین‌الملل به شکل رسمی به دادگاه جهانی ارجاع داده می‌شود. قطعهنامه از دید کشورهای در حال توسعه و جزیره‌ای، که قربانی تغییرات اقلیمی هستند، گامی مهم در مسیر دستیابی به عدالت بین‌نسلی و بین‌کشوری محسوب می‌شود. این قطعهنامه به خصوص «عملکردهای» کشورهای مسئول گرمایش جهانی و «تعهدات» این کشورها در برابر کشورهای شدیداً متاثر شده از تغییرات اقلیمی و همچنین باشندگان امروز و فردای زمین را مورد توجه قرار می‌دهد. در این قطعهنامه آمده است که حفاظت از اقلیم برای نسل‌های کنونی و آینده یک چالش بی‌مانند است.

اسماعیل کالساکنو، نخست وزیر جمهوری وانواتو از این قطعهنامه به حیث یک «پیام روشن و واضح» برای جهان و آینده دور سخن گفت. او افزود که کشورهای عضو ملل متحد توافق کرده‌اند که «در اقدامات شان در برابر بزرگترین چالش عصر ما، یعنی تغییرات اقلیمی، همکاری کنند او پیش از جلسه مجمع عمومی گفت: «ما با هم پیام رسا و روشنی را نه تنها در سراسر جهان، بلکه به آینده دور ارسال خواهیم کرد که امروز مردم کشورهای عضو سازمان ملل متحد که از طریق دولت‌های خود عمل می‌کنند، تصمیم گرفتند اختلافات را کنار بگذارند و برای مقابله با چالش حیاتی دوران ما، با هم کار کنند».

تلاش دانشجویان به ثمر رسید

در سال ۲۰۱۱ کشورهای جزیره‌ای پالائو و جزایر مارشال در اقیانوس آرام اولین کشورهایی بودند که مجمع عمومی سازمان ملل متحد را برای اخذ نظر مشورتی از دیوان بین‌المللی دادگستری در مورد مسائل مربوط به تغییرات اقلیمی دعوت کردند. با تکیه بر این تلاش، ۲۷ دانشجو از دانشگاه اقیانوس آرام جنوبی یک کمپین (PISFCC) برای گرفتن نظر مشورتی از دیوان در مورد قانون تغییرات اقلیمی و قوانین حقوق بشر ایجاد کردند. در سال ۲۰۱۹ آنها رهبران مجمع‌الجزایر اقیانوس آرام را متقاعد کردند که مسائل مربوط به تغییرات اقلیمی و حقوق بشر را به دیوان بین‌المللی دادگستری ببرند. با به رسمیت شناختن ماهیت جهانی این کمپین و پس از جلب حمایت جامعه مدنی در سال ۲۰۲۰، گروهی از جوانان از آسیا، آفریقا، آمریکای لاتین و اروپا خود را به عنوان جوانان جهان برای عدالت اقلیمی (WYJC) سازماندهی کردند تا برای نظر مشورتی از دیوان این نیاز را تقویت کنند. کمپین جوانان خواستار طرح این سوال شد که تعهدات حقوقی دولت برای حمایت از حقوق نسل‌های کنونی و آینده در برابر اثرات نامطلوب تغییرات اقلیمی چیست؟ در سپتامبر ۲۰۲۱ دولت وانواتو رسماً اعلام کرد که مسیر مجمع عمومی سازمان ملل متحد را برای جلب نظر مشورتی از دیوان دنبال خواهد کرد. در حمایت از این امر و برای تقویت تقاضای عمومی، جنبش جامعه مدنی در سال ۲۰۲۲ به طور فزاینده‌ای رشد کرد و اتحادی برای نظر

مشورتی عدالت اقلیمی تشکیل داد. این اتحاد بیش از ۱۶۰۰ سازمان مجزا از انجمن‌های مردمی متعدد گرفته تا سازمان‌های غیردولتی بزرگ را نمایندگی می‌کند.

قطعنامه از دیوان بین‌المللی دادگستری چه می‌پرسد؟

هنگام درخواست نظر مشورتی از دیوان بین‌المللی دادگستری، فرآیند طرح سوال در قطعنامه، فرآیندی حیاتی و راهبردی است. در موضوع مزبور، سوالات بر اساس مبانی حقوقی و بنیادین که در متن اجرایی سند گذاشته شده، طرح شده‌اند. متن اجرایی بر میثاق‌ها و معاهدات بین‌المللی مانند منشور سازمان ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کنوانسیون حقوق کودک، کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد حقوق دریاها، موافقت‌نامه پاریس و کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد چارچوب تغییرات اقلیمی تاکید می‌کند. این اسناد، مبانی حقوقی سوالات این قطعنامه را تشکیل می‌دهند. علاوه بر این دلیل قانع‌کننده‌ای برای دیوان بین‌المللی دادگستری جهت ارائه نظر مشورتی در مورد یک موضوع واقعی و اساسی که نیاز به شفاف‌سازی تعهدات دولت‌ها برای کاهش و سازگاری با تغییرات اقلیمی است، ارائه می‌کند. همچنین تصریح می‌نماید که مجمع عمومی قصد دارد از دیوان در مورد مسائل مربوط به عدالت، توسعه پایدار و حفاظت از سیستم‌های اقلیمی، محیط زیست دریایی و حقوق بشر در برابر اثرات نامطلوب تغییرات اقلیمی راهنمایی حقوقی بگیرد.

بر این اساس مجمع عمومی سازمان ملل متحد دو سوال از دیوان بین‌المللی دادگستری مطرح کرده است که در سوال اول از دیوان می‌خواهد تعهدات حقوقی دولت‌ها را مشخص کند. دومی از دیوان می‌خواهد که پیامدهای حقوقی نقض(های) این تعهدات حقوقی را با فعل یا ترک فعل‌هایی که باعث آسیب قابل توجهی به محیط زیست می‌شود، مشخص کند. سوالات به شرح زیر است:

الف: تعهدات دولت‌ها بر اساس حقوق بین‌الملل برای تضمین حفاظت از سیستم اقلیمی و سایر حوزه‌های مربوط به محیط زیست در برابر انتشار گازهای گلخانه‌ای به وسیله انسان‌ها برای دولت‌ها و نسل‌های فعلی و آینده چیست؟
ب: پیامدهای حقوقی این تعهدات برای کشورهای که با فعل و ترک فعل خود صدمات قابل توجهی به سیستم اقلیمی و سایر حوزه‌های مربوط به محیط زیست وارد کرده‌اند، در خصوص:

(۱) دولت‌ها از جمله به طور خاص دولت‌های جزیره‌ای کوچک در حال توسعه که به دلیل شرایط جغرافیایی و

سطح توسعه خود آسیب دیده‌اند یا به طور خاص تحت تاثیر اثرات نامطلوب تغییرات اقلیمی هستند.

(۲) مردم و نسل‌های فعلی و آینده متاثر از اثرات نامطلوب تغییرات اقلیمی

بنابراین هدف قطعنامه برای درخواست نظر مشورتی از دیوان، روشن شدن دامنه تعهدات حقوقی دولت‌ها و پیامدهای حقوقی است که دولت‌ها در صورت نقض تعهدات با آن مواجه خواهند شد. در پاسخ به این سوالات، این امید وجود دارد که دیوان اصول حقوق بین‌الملل و حقوق عرفی مانند آسیب فرامرزی، وظیفه همکاری، انصاف یا تمرکز بین نسلی و برابری بین نسلی، مسئولیت مشترک اما متمایز و قابلیت‌های مرتبط و متعهد به تلاش مقتضی، از جمله در زمینه تطبیق و کاهش اثرات اقلیمی را روشن کند.

دیوان لاهه امکان دریافت غرامت در مورد

تغییرات اقلیمی را فراهم کرد

روز سه‌شنبه، ۲۲ ژوئیه ۲۰۲۵، دیوان بین‌المللی دادگستری، برای اولین بار تأیید کرد که:

۱. کشورهای عضو ملل متحد دارای تعهد حقوقی مستقل طبق حقوق بین‌الملل برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای و حفاظت از سیستم اقلیمی هستند.
۲. در صورت عدم ایفای این تعهدات توسط دولت‌ها، به‌ویژه تأمین نکردن مراقبت کافی (due diligence)، این رفتار می‌تواند به‌عنوان «عمل نادرست بین‌المللی» شناخته شود و مسئولیت دولتی ایجاد کند

دیوان بین‌المللی دادگستری در لاهه هلند راه را برای امکان پرداخت غرامت از سوی کشورهای که به تعهدات خود در زمینه مبارزه با تغییرات اقلیمی عمل نمی‌کنند، باز کرد. بر اساس ارزیابی قضات در لاهه، چنین کشورهای بر خلاف قوانین بین‌المللی عمل می‌کنند. در تصمیم دیوان لاهه گفته شده که باید درباره پرداخت غرامت به کشورهای خاصی که بیش از دیگر کشورها تحت تاثیر پیامدهای تغییرات اقلیمی قرار دارند، مورد به مورد تصمیم‌گیری شود.

این دادگاه محدودیت افزایش دمای جهانی به ۱٫۵ درجه سانتی‌گراد را که در توافق‌نامه اقلیمی پاریس تعیین شده، تأیید کرده و گفته است هدف این است که نسل‌های حال و آینده محافظت شوند. این نظر مشورتی از سوی عالی‌ترین دادگاه سازمان ملل متحد به درخواست مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۲۰۲۳ بازمی‌گردد که توسط کشور جزیره‌ای وانواتو مطرح شده بود

نظر کارشناسان: چرا "عدالت اقلیمی" اهمیت دارد؟

از سایت کربن بریف



دکتر آدرین هالیس

مدیر خدمات مشاوره زیست‌محیطی هالیس (دانشمند ارشد سابق عدالت اقلیمی و سلامت در اتحادیه دانشمندان نگران)



دکتر جالون وایت-نیوسام
مدیرعامل/بنیانگذار و مدرس دانشگاه جورج واشنگتن

در سال ۲۰۱۴، من و دختران پنج و هفت ساله‌ام در طول راهپیمایی اقلیمی مردم به همراه هزاران نفر از مردم پرشور در خیابان‌های نیویورک راهپیمایی کردیم. امید این بود که افزایش آگاهی تصمیم‌گیرندگان، ما را به سیاست‌هایی که به ریشه‌های تغییرات اقلیمی می‌پردازند، نزدیک‌تر کند. از همه مهم‌تر، هدف ایجاد سیستم‌هایی بود که واقعاً از مردم سیاه‌پوست و رنگین‌پوست در محیط‌هایی که برای سلامتی آنها و رفاه نسل‌های آینده‌شان خطرناک بود، محافظت کند.

اینکه چرا عدالت اقلیمی یا عدالت زیست‌محیطی مهم است، سوالی نیست که باید پرسیم. سوالی که در بیش از ۲۰ سال گذشته، کار، تحقیقات، فعالیت‌های حمایتی و خدمت من را به پیش رانده، این بوده است: چرا برخی افراد مهم هستند و برخی دیگر نه؟ برای پاسخ به این سوال، باید با درک اینکه عدالت اقلیمی واقعاً چیست، شروع کنیم.

عدالت اقلیمی یک آرمان، یک جنبش و یک حق انسانی است. این عدالت به معنای نترسیدن از سیل در خانه‌تان یا هر بار باران و توانایی خنک ماندن در روزهای بسیار گرم نیست. این عدالت به معنای توانایی تأمین انرژی پاک «واقعی» برای تأمین انرژی خانوارها، حمل و نقل عمومی، مدارس و مراکز نگهداری سالمندان است. این عدالت به معنای توقف گسترش صنایع استخراجی، بازاندیشی در راه‌حلهایی است که به نفع همه باشد و یادگیری ارزش قائل شدن برای مدل‌ها و سازوکارهای پیش‌بینی علمی سنتی.

من عدالت اقلیمی را بخش مهمی از یک مسئله بزرگتر، یعنی عدالت زیست‌محیطی، می‌دانم که آن را همچون چتری عظیم با پره‌های فراوان تصور می‌کنم. هر پره یک مسئله مرتبط با هم است - عدالت اقلیمی، عدالت نژادی، عدالت مهاجرتی، عدالت کیفری، عدالت جنسیتی و غیره.

این مسائل مهم هستند - عدالت اقلیمی مهم است - زیرا محیط زیست ما فقط جایی نیست که در آن زندگی می‌کنیم، دعا می‌کنیم، بازی می‌کنیم، کار می‌کنیم و یاد می‌گیریم، بلکه این است که ما که هستیم، چگونه با ما رفتار می‌شود و چرا. مردم به طور یکسان تحت تأثیر این مسائل قرار نمی‌گیرند، چه از روی عمد و چه از روی بی‌تفاوتی.

عدالت اقلیمی اهمیت دارد زیرا ما در عصری از محاسبات نژادی و اجتماعی هستیم و تضمین می‌کنیم که عدالت و برابری در اقدامات ما گنجانده شود. عدالت اقلیمی بر اصلاح دهه‌ها نژادپرستی ساختاری تمرکز دارد که بیش از هر چیز دیگری بر جوامع رنگین‌پوست، جوامع فقیر، جوامع روستایی و جوامع غیرانگلیسی‌زبان تأثیر می‌گذارد. به یاد داشته باشید، مدت‌ها قبل از اینکه برادران و خواهران رنگین‌پوست ما فریاد بزنند که نمی‌توانند از دست سیستم قضایی نفس بکشند، آنها (ما) از آلودگی محیطی ناشی از اقدامات نژادپرستانه خفه می‌شدیم.

عدالت اقلیمی اهمیت دارد زیرا مردم را مجبور می‌کند تا با جوامعی که متحمل خسارات ناشی از طوفان‌های ویرانگر و سیل‌های همراه آن، قرار گرفتن نامتناسب در معرض مواد سمی، سیل‌های مزمن، مرگ‌های زودرس، بیماری‌های مزمن و موارد دیگر می‌شوند، همکاری کرده و از

بین‌نسلی است. در هر دو بُعد، عدالت اقلیمی مهم است زیرا ضرورت بیشتری را برای کاهش بلندپروازانه‌ی تغییرات اقلیمی نسبت به منافع شخصی صرف، ایجاد می‌کند.

عدالت اقلیمی بین‌المللی به معنای کاهش فوری و بلندپروازانه انتشار گازهای گلخانه‌ای به شکل سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های انرژی غیرکربنی در کشورهای کمتر توسعه‌یافته است. این امر به آنها اجازه می‌دهد حتی در حالی که تغییرات اقلیمی کند شده است، با جهش در زیرساخت‌های سوخت فسیلی، توسعه یابند. عدالت ما را ملزم به کمک به توسعه می‌کند و آب و هوا ما را ملزم می‌کند که این کار را به روش‌هایی انجام دهیم که از افزایش انتشار گازهای گلخانه‌ای جلوگیری شود. کشورهای توسعه‌یافته‌ی ثروتمند منابع لازم برای انجام این کار را دارند و کشورهای کمتر توسعه‌یافته ندارند. ما آنچه را که آنها می‌توانند انجام دهند کنترل می‌کنیم.

عدالت اقلیمی بین‌نسلی به معنای کاهش فوری و بلندپروازانه در قالب زیرساخت‌های انرژی غیرکربنی در کشورهای توسعه‌یافته است تا نسل‌های آینده را در تنگنا قرار ندهیم. اگر رژیم انرژی جهانی به همین شکل ناپایدار باقی بماند، آنها با انتخاب‌هایی بین آزمایش با فناوری‌های نازموده، گران و احتمالاً ناکافی برای استخراج کربن و تغییرات در سبک زندگی که باعث درگیری‌های اجتماعی و مهاجرت گسترده می‌شود، روبرو خواهند شد. نسل‌های آینده باید در مورد سیستم انرژی جهانی که ما پشت سر می‌گذاریم، مذاکره کنند. ما آنچه را که آنها باید با آن روبرو شوند، کنترل می‌کنیم.



کاوه مدنی

استاد مهمان

استاد مهمان دانشگاه ییل

عدالت اقلیمی اهمیت دارد زیرا دامنه مشکل تغییرات اقلیمی تنها به طبیعت محدود نمی‌شود. این مشکل بُعد انسانی دارد و وقتی انسان‌ها درگیر می‌شوند، عدالت اهمیت پیدا می‌کند.

بدیهی است که ما اثرات تغییرات اقلیمی را به طور عادلانه و برابر تحمل نخواهیم کرد. جوامع حاشیه‌نشین، کم‌درآمد، بومی، اقلیت‌ها و

این [برنامه/طرح/سیاست/...] جوامع را برای بدترین شرایط آماده می‌کند و دسترسی آسان و بدون مانع به امداد و پشتیبانی را برای کمک به بهبودی پس از یک فاجعه اقلیمی تضمین می‌کند. این برنامه/طرح در حال درک این موضوع است که خسارات وارده بر سلامت روان به همان اندازه ویرانی یک خانه در طوفان مخرب است و این موضوع را در هزینه‌ها و راه‌حل‌های لازم برای ترمیم زندگی مردم در نظر می‌گیرد.

این به معنای اذعان به تخریبی است که ما ایجاد کرده‌ایم و نشان دادن بخشش خود به مادر زمین با اعمالمان است. این به معنای به اشتراک گذاشتن این درک است که مردم سیاه‌پوست و قهوه‌ای پوست به طور نامتناسبی از نژادپرستی تاریخی، سیستماتیک/نهادی و بی‌عدالتی‌های زیست‌محیطی رنج برده‌اند که برخی جوامع را بدون هیچ تقصیری نسبت به دیگران آسیب‌پذیرتر کرده است. من آرزوی روزی را دارم که افراد کم‌درآمد، سیاه‌پوست، بومی و رنگین‌پوست به طور نامتناسبی از مدیریت غیرمسئولانه‌ای که همه ما در آن سهیم هستیم، رنج نبرند.

هفت سال پس از راهپیمایی اقلیمی، عدالت اقلیمی هنوز برای من مهم است زیرا می‌خواهم بتوانم به دو دختر جوان و زیبای قهوه‌ای‌پوستم بگویم که یک مادر زمین برای شما و فرزندانتان وجود خواهد داشت تا از آن لذت ببرید.

همه مردم سزاوار زندگی عاری از ترس هستند، سرشار از اعتماد به نفس که زیرساخت‌ها از کار نخواهند افتاد و مکان‌ها و مردمی که دهه‌هاست از آسیب‌های زیست‌محیطی متعددی رنج برده‌اند، به طور عادلانه از منابع برخوردار شده و برای زندگی در واقعیت جدید اقلیمی ما آماده خواهند شد.



پروفسور هنری شو

پژوهشگر ارشد مرکز مطالعات بین‌الملل در دانشگاه آکسفورد

عدالت اقلیمی به معنای اجازه ندادن به قدرت (و ثروت) برای ایجاد حق، بلکه استفاده از قدرت برای محافظت از افراد ناتوان است. این عدالت دو بُعد دارد: بُعد مکانی، که همان عدالت بین‌المللی است، و بُعد زمانی، که همان عدالت

پیش‌گفتار جان بلامی فاستر برچاپ
فارسی کتاب

"آکولوژی مارکس، ماتریالیسم و
طبیعت"

امپریالیسم اکولوژیکی



چنان که مارکس در ۱۸۴۴ یادآور می‌شود، در دوران فنودالیسم، مالکیت خصوصی به پایه‌ای گسترش یافته بود که دارندگان چند ملک بزرگ، بهترین زمین‌ها را به انحصار خود در آورده بودند. با این‌همه، با پیدایی سرمایه‌داری این کار دامنه‌ای به مراتب فراخ‌تر گرفت؛ اکثریت گسترده کارگران از رهگذر سیاست حصارکشی‌های اجباری از زمین جدا شدند. کارگران را (به تعبیر مالتوسی) از زمین "روفتند" و راهی شهرهای بزرگ کردند و آنها در شهرها پرولتاریای شهری رو به فزونی را تشکیل دادند. تسلط بر طبیعت به وسیله‌ای برای تسلط نظام‌مندتر بر بشریت مبدل شد. کارگران در شهرها فقط به صورت "طبیعتی سراسر تباه شده" با طبیعت پیوند داشتند و به قول مارکس "در آلودگی همگانی شهرهای بزرگ" می‌زیستند.

یکی از مسائل اساسی اکولوژی در حال حاضر مسئله امپریالیسم اکولوژیکی، یا مبادله‌ی نابرابر سودها و هزینه‌های اکولوژیکی میان مرکز و پیرامون نظام جهانی سرمایه‌داری است. پرسش این‌جا است که چرا تحلیل مارکس در باب این مسئله همچنان برای میلیاردها انسانی که می‌جنگند تا در پیرامون

محرومان به طور نامتناسبی تحت تأثیر گرمایش جهانی قرار خواهند گرفت. آنها همچنین در مقایسه با گروه‌های ثروتمندتر، ظرفیت بسیار محدودتری برای کاهش تغییرات اقلیمی و مقابله با پیامدهای آن دارند. این بدان معناست که تغییرات اقلیمی نابرابری‌های از قبل قابل توجه در سراسر جهان را افزایش خواهد داد.

بحث‌ها در مورد عدالت اقلیمی عمدتاً بر «تأثیرات» نامتناسب انسانی تغییرات اقلیمی متمرکز است. اما ما همچنین باید نگران نابرابری‌های مهم در میزان مشارکت در «علل» تغییرات اقلیمی باشیم. اصول عدالت، مسئولیت تاریخی ایجاد این مشکل را در نظر می‌گیرد.

اقتصادهای غیرسبز و وابسته به منابع کشورهای ثروتمند، به همراه سبک زندگی ناپایدار و مصرفی آنها، این مشکل را ایجاد کرده‌اند. آنها مسئولیت اخلاقی و همچنین ظرفیت لازم برای انجام اقدامات فوری اقلیمی و کمک به کشورهای فقیر را دارند. مردم جنوب جهان شایسته همان کیفیت زندگی مردم شمال جهان هستند، اما این امر برای آنها دست نیافتنی است مگر اینکه انتقال دانش، فناوری و ثروت از اقتصادهای پیشرفته صورت گیرد.

ما همچنین باید به ابعاد زمانی و مکانی عدالت اقلیمی اهمیت دهیم. بُعد زمانی آن، توجه به عدالت اقلیمی بین‌نسلی را ضروری می‌سازد و بر لزوم حفاظت از حقوق زیست‌محیطی فرزندانمان با انجام اقدامات اقلیمی تأکید می‌کند. بُعد مکانی عدالت اقلیمی، تأثیرات ناهمگن تغییرات اقلیمی را در فضا و مختصات جغرافیایی به ما یادآوری می‌کند و سطوح مختلفی از تلاش‌های کاهش و سازگاری را در سراسر جهان می‌طلبد.

ما مسئولیت‌ها و سطوح دسترسی «نابرابر» به منابع لازم برای تضمین جهانی «برابر» در شرایط تغییرات اقلیمی داریم.



نظام جهانی سرمایه‌داری زندگی کنند، این همه جنبه مرکزی دارد؟ پاسخ در این کتاب به نحو پوشیده آمده است با این همه، سزاوار شرحی آشکارتر است که این جا فقط می‌توان نومیذانه طرحی مختصر از آن به دست داد.

آغازگاه مارکس برای تحلیل اکولوژیک، بیگانگی از طبیعت است. مارکس در دست‌نوشته‌های اقتصادی و فلسفی ۱۸۲۴ می‌نویسد: "اگر طبیعت را ... به طور انتزاعی برای خود و در جدایی‌اش از آدمی پابرجا و ثابت در نظر بگیریم برای انسان هیچ نیست." این جا اگر این سخن او را بیرون از زمینه در نظر بگیریم ممکن است در حکم نفی کل طبیعت بیرونی و اهمیت آن برای آدمیان در نظر آید. در عوض این سخن بیانگر دیدگاه مارکس درباره بیگانگی از طبیعت به عنوان مسئله‌ای است که در بن بیگانگی انسان و کار جای دارد.

مارکس به عمد سخن اپیکوروس فیلسوف ماتریالیست یونان باستان را واگو می‌کند: "مرگ برای ما هیچ نیست؛ زیرا آن چه منحل می‌شود بدون احساس است؛ و آن‌چه بی‌احساس است برای ما هیچ نیست." مارکس برآن است که طبیعتی را که صرفاً انتزاعی و جدا از هستی محسوس بشری است نمی‌توان تجربه کرد و از این رو به معنای واقعی برای آدمیان وجود ندارد. تمامی تاریخ انسان درباره کنش و واکنش انسان با طبیعت از رهگذر تولید انسانی است.

چنان که مارکس در ۱۸۴۴ یادآور می‌شود، در دوران فئودالیسم، مالکیت خصوصی به پایه‌ای گسترش یافته بود که دارندگان چند ملک بزرگ، بهترین زمین‌ها را به انحصار خود در آورده بودند. با این همه، با پیدایی سرمایه‌داری این کار دامنه‌ای به مراتب فراخ‌تر گرفت؛ اکثریت گسترده کارگران از رهگذر سیاست حصارکشی‌های اجباری از زمین جدا شدند. کارگران را (به تعبیر مالتوسی) از زمین "روفتند" و راهی شهرهای بزرگ کردند و آنها در شهرها پرولتاریای شهری رو به فزونی را تشکیل دادند. تسلط بر طبیعت به وسیله‌ای برای تسلط نظام‌مندتر بر بشریت مبدل شد. کارگران در شهرها فقط به صورت "طبیعتی سراسر تباه شده" با طبیعت پیوند داشتند و به قول مارکس "در آلودگی همگانی شهرهای بزرگ" می‌زیستند.

مارکس این تحلیل بیگانگی از طبیعت را از رهگذر شکاف سوخت و سازانه‌ای میان انسان‌ها و طبیعت در کتاب سرمایه (کاپیتال) گسترش بخشید. مارکس به پیروی از یوستوس فون لیپیش، شیمی‌دان آلمانی، بر آن می‌رود که از میان برداشتن نیتروژن، فسفر و پتاسیم از خاک، و صادر کردن این مواد غذایی خاک به شهرها به شکل غذا و الیاف به آلودگی شهرها می‌افزاید، در عین حال که خاک را از

عناصر سازا و مقوم آن محروم می‌سازد. این آغازگاه مادی نظریه‌ی گسترده‌تر مارکس در باب شکاف در رابطه سوخت و سازانه میان انسان و طبیعت در عرصه تولید سرمایه‌داری به شمار می‌آید. او بر آن است که سرمایه‌داری نظامی تولیدی است که به ضرورت چیزی را زیر پا می‌گذارد که لیپیش آن را "قانون بازآوری" در طبیعت می‌خواند. تأثیر این شیوه در ارتباط میان مرکز و پیرامون نظام جهانی سرمایه‌داری بسیار آشکار است. حمل غذا و الیاف در مقیاس مسافت‌های دراز - صدها و چه بسا هزاران میل - به شکاف سوخت و سازانه مشهود در گسیختگی اکولوژیک میان شهر و روستا یاری رسانده است. "گوآنو" (کود پرندگان) باید به مقدار کلان از پرو وارد شود تا کشتزارهای انگلستان احیا گردد. چنان که مارکس می‌گوید، انگلستان سالیان دراز "به طور غیر مستقیم خاک ایرلند را صادر کرد بی‌آن‌که حتی به کشاورزان امکان دهد اجزای مقوم خاک را جایگزین کنند."

در نتیجه، شکاف سوخت‌وسازانه در دوره سرمایه‌داری به سرعت جنبه جهانی شده به خود گرفت و گسیختگی اکولوژیکی میان مرکز و پیرامون در سطح جهانی پدید آمد. صنعت و کشاورزی در کلان شهرهای اقتصاد جهانی به هزینه اکولوژی (و نیز اقتصاد) پیرامون گسترش یافت. چنان‌که مارکس و انگلس در مانیفست حزب کمونیست یادآور می‌شوند «صنایع، نه مواد خام بومی بلکه مواد خامی را که از دورترین مناطق آورده‌اند به کار می‌اندازند.» واقعیت‌های امپریالیسم و نظام مبادله‌ای نابرابر آن، نشان می‌دهد که قانون بازآوری در سطح جهانی بیش از پیش زیر پا گذاشته شده است و وضع به صورتی درآمده است که کشورهای مرکز، که بر چنین غارت و راهزنی اکولوژیکی تکیه دارند، مولدتر از آن می‌نمایند که به راستی هستند. سراسر نواحی گسترده پیرامون به منطقه قربانی محض برای تهیه منابعی برای کشورهای مرکز فروکاسته است، و همین که زمین‌های پیرامون از نظر اکولوژیک به تباهی کشیده شد، به حال خود رها می‌شوند. اگر آن‌گونه که روزگاری ویلیام. ک. کاپ نوشت، سرمایه‌داری همواره نظامی از «هزینه‌های پرداخت نشده» بوده است، آثار ویرانگر این شیوه همواره در آمریکای لاتین، آفریقا و آسیا به آشکارترین وجه جلوه‌گر بوده است. در این مناطق است (مناطق‌ای که دیرگاهی است در پیرامون تولید سرمایه‌داری جهانی قرار دارند) که پیامدهای غارت یک‌سویه زمین به نهایت خود رسیده است. این شکاف سوخت‌وسازانه‌ی جهانی یکی از جلوه‌های عمده امپریالیسم است. پیرامون در جدایی خود از مرکز چنان تثبیت شده

یکی از مهم‌ترین تاریخ‌های مرتبط، ۲۲ فوریه (۲۲ فوریه ۱۹۹۴) است که در آمریکا به‌عنوان "روز عدالت محیط زیستی (Environmental Justice Day)" شناخته می‌شود. این روز به یاد **امضای فرمان اجرایی شماره ۱۲۸۹۸** توسط رئیس‌جمهور وقت، بیل کلینتون، برگزار می‌شود؛ فرمانی که دولت فدرال آمریکا را ملزم به در نظر گرفتن عدالت زیست‌محیطی در سیاست‌ها و اقدامات خود کرد. در سطح جهانی نیز، فعالان و سازمان‌ها از این مناسبت برای برگزاری کمپین‌های آگاهی‌بخشی، تظاهرات، سخنرانی‌ها و برنامه‌های آموزشی در زمینه پیوند **عدالت اجتماعی و محیط زیست** استفاده می‌کنند.



نژادپرستی محیطی و نابرابری قومی

نژادپرستی زیست‌محیطی به سیاست‌ها، شیوه‌ها یا دستورالعمل‌های زیست‌محیطی اطلاق می‌شود که به‌طور متفاوتی بر افراد، گروه‌ها یا جوامع بر اساس نژاد یا رنگ پوست تأثیر می‌گذارد یا به ضرر (اعم از عمدی یا غیرعمدی) آسیب می‌رساند. نژادپرستی زیست‌محیطی توسط نهادها (حقوقی، سیاسی، اقتصادی یا نظامی) به گونه‌ای تقویت می‌شود که همچنان به ضرر گروه‌های فوق ادامه می‌دهد.

نژادپرستی محیطی به شرایطی اطلاق می‌شود که در آن جوامع قومی یا نژادی خاص—به‌ویژه اقلیت‌های آسیب‌پذیر—بیشتر در معرض خطرات زیست‌محیطی قرار می‌گیرند، در حالی که از منافع توسعه یا حفاظت محیطی کمتر بهره‌مند می‌شوند. این پدیده اغلب به‌صورت مکان‌یابی صنایع آلاینده، دفن زباله‌های سمی، یا کمبود دسترسی به منابع طبیعی سالم مانند آب و هوا در مناطق محل سکونت گروه‌های قومی خاص ظاهر می‌شود. نژادپرستی محیطی، جلوه‌ای از نابرابری ساختاری است که با بی‌عدالتی اجتماعی، اقتصادی و حقوقی درهم‌تنیده شده و عدالت محیط زیستی بدون رفع آن، ممکن نخواهد بود.

است که برای مرکز دیگر هیچ نیست مگر سکویی بیرونی برای تداوم بخشیدن فوق استثمار هم منابع و ذخایر و هم کار، و نیز زباله‌دانی رو به گسترش ضایعات سمی که به سود مرکز به وجود می‌آید.

از این جا بر می‌آید که هنگامی که همه دیگر ابزارهای سلطه اکولوژیکی و اقتصادی سرمایه‌داری ناکام می‌ماند، مرکز می‌بایست به جنگ با پیرامون روی بیاورد تا هم‌چنان به جریان یافتن منابع و انرژی و ارزش اقتصادی (تداوم بخش و این کار را بر پایه‌ای به انجام برساند که مطلوب گسترش اقتصادی مداوم مرکز باشد. امروز چنین جنگی در پیرامون برضد عراق انجام می‌گیرد و فردا در جایی دیگر در حاشیه اقتصاد جهان سرمایه‌داری. در این جریان فشار غیرلازم و دوام‌ناپذیری بر سیاره زمین اعمال می‌شود و مصائب اکولوژیکی گسترده‌ای پدید می‌آورد که نسل‌های بعدی باید با آن دست به گریبان شوند. یگانه پاسخ به این منطق بی‌رحمانه انهدام، این است که باید بر خود این شکاف جهانی چیره شد، وظیفه‌ای که بشریت را بر آن خواهد داشت که اگر می‌خواهد بقا داشته باشد به فراسوی همه انقلاب‌های پیشین گام بگذارد.

جان بلامی فاستر

یوجین، اورگون

۳ آوریل ۲۰۰۳

* برگرفته از کتاب "اکولوژی مارکس، ماتریالیسم و طبیعت" نوشته جان بلامی فاستر با ترجمه علی‌اکبر معصوم بیگی

روز اقدام برای عدالت

محیط زیست

روز اقدام برای عدالت محیط زیست یک مناسبت نمادین است که به تلاش برای رفع نابرابری‌های زیست‌محیطی و حمایت از جوامع آسیب‌پذیر در برابر آلودگی، تخریب منابع طبیعی و تغییرات اقلیمی اختصاص دارد. این روز یادآور آن است که محیط زیست سالم نباید امتیازی برای گروه خاصی باشد، بلکه باید **حق برابر همه انسان‌ها** تلقی شود.

آثار زیست‌محیطی و انسانی جنگ ۱۲ روزه

فاجعه‌ای خاموش

مهدی ابراهیم‌زاده

- بیش از هزار کشته و پنج هزار مجروح جسمی و روانی.
- بی‌خانمانی صدها نفر در ۲۴ استان و ۱۰۰ شهرستان.
- تخریب هزاران خانه مسکونی و زیرساخت‌های حیاتی.

افزون بر این، ترس و اضطراب گسترده‌ای در میلیون‌ها نفر ایجاد شد؛ چرا که امکانات هشدار و پناه‌گیری مؤثر در بسیاری از نقاط کشور وجود نداشت و مردم،

به‌جز معدودی از نیروهای امدادی، آموزش کافی برای مدیریت شرایط نداشتند. ضعف پدافند غیرعامل و پدافند مدنی در این بحران آشکار شد.

آثار زیست‌محیطی آشکار

تخریب طبیعت و منابع طبیعی؛ آتش‌سوزی در مراتع، تخریب جنگل‌ها و تجاوز به زمین‌های کشاورزی، بخشی از پیامدهای مستقیم جنگ بود. هرج‌ومرج پس از جنگ نیز باعث چرای بی‌رویه، قطع درختان، و تخریب اراضی به دست سودجویان شد. چنین آسیب‌هایی در اقلیم خشک ایران، اثرات خشکسالی و توفان‌های گردوغبار را تشدید می‌کند.

آلودگی هوا و خاک؛ یکی از بزرگ‌ترین شوک‌های زیست‌محیطی جنگ، انفجار انبارهای سوخت در ری و کن تهران بود؛ - بیش از ۱۹۰۵ میلیون لیتر سوخت نابود شد. - ۴۷ هزار تن گاز گلخانه‌ای و ۵۷۸ هزار کیلوگرم آلایند شیمیایی وارد هوا شد. - کیفیت هوای تهران به سطح هشدار رسید، به‌ویژه برای کودکان، سالمندان و بیماران تنفسی.

همچنین حدود ۱۵۰ هزار تن نخاله و آوار جنگی در تهران تولید شد، که مدیریت شهری را با یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های زیست‌محیطی دو دهه اخیر مواجه کرد. هزینه پاک‌سازی این نخاله‌ها و پسماندهای نظامی، صنعتی و الکترونیکی، بیش از هزار میلیارد تومان برآورد شده است.

فاجعه در جنوب: گاز، آتش و خلیج فارس

در بوشهر، حمله به پالایشگاه فاز ۱۴ پارس جنوبی منجر به:

- سوختن ۵۰۵ میلیون مترمکعب گاز.
- آزاد شدن ۱۲ هزار تن گاز گلخانه‌ای و ۴۳۷ هزار کیلوگرم آلایند شیمیایی.
- آلودگی گسترده هوای استان‌های بوشهر، فارس، خوزستان و هرمزگان.

نگرانی بزرگ‌تر، نشت مواد شیمیایی و گازهای سمی به خلیج فارس است. این اکوسیستم شکننده



تجربه جنگ ۱۲ روزه نشان داد که تخریب طبیعت و زیست‌بوم ایران فقط یک مسأله زیست‌محیطی نیست، بلکه مسأله‌ای امنیتی و ژئوپلیتیکی نیز هست. بازسازی اکوسیستم‌ها به دهه‌ها زمان، میلیاردها دلار هزینه و همکاری بین‌المللی نیاز دارد.

مقدمه

جنگ ۱۲ روزه میان ایران، اسرائیل و آمریکا، خسارات گسترده‌ای بر مردم، زیرساخت‌ها و طبیعت ایران وارد کرد. این خسارات را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

الف- خسارات آشکار و فوری (جانی، مالی، زیربنایی و محیط‌زیستی)

ب- پیامدهای پنهان و بلندمدت که به تدریج بر سلامت انسان‌ها، طبیعت و منابع کشور نمایان می‌شود.

این مقاله تلاش می‌کند با نگاهی مستند، ابعاد مختلف این فاجعه، به‌ویژه پیامدهای زیست‌محیطی آن را تبیین کند.

خسارات انسانی و زیرساختی

جنگ ۱۲ روزه خسارات انسانی و اقتصادی سنگینی بر کشور تحمیل کرد:

با گونه‌های متنوع، در معرض خطر انقراض آبزیان، نابودی مرجان‌ها و اختلال در چرخه‌های زیستی قرار گرفته است. فعالان محیط‌زیست از این وضعیت با عنوان «سکوت مرگبار خلیج فارس» یاد می‌کنند.



پیامدهای پنهان: حمله به تأسیسات هسته‌ای

حملات گسترده به تأسیسات هسته‌ای فردو، نطنز و اصفهان با بمب‌ها و موشک‌های سنگین، خسارات ناشناخته‌ای را برجا گذاشت. هرچند آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اعلام کرده است که افزایش قابل توجهی در تشعشعات مشاهده نشده، اما نگرانی‌ها درباره آلودگی منابع آب زیرزمینی، خاک و هوا همچنان جدی است. انفجار سانتریفیوژها و نشت احتمالی مواد رادیواکتیو می‌تواند اثرات بلندمدتی بر سلامت انسان و طبیعت داشته باشد.

سخن پایانی

جنگ ۱۲ روزه، اگرچه به‌عنوان تقابل نظامی مستقیم اسرائیل و آمریکا با جمهوری اسلامی شناخته می‌شود، اما واقعیت این است که ابعاد نامرئی و دیرپاتری از این درگیری وجود دارد که نه در اخبار فوری، بلکه در آینده‌ی سلامت کشور دیده خواهد شد؛ خسارات زیست‌محیطی و طبیعی و انسانی!

هنوز ابعاد تخریب ناشی از حملات موشکی اسرائیل و بمباران تأسیسات هسته‌ای و نظامی ایران روشن نیست. تنها در یک روز ۱۴ بمب چند هزار کیلوگرمی و ۳۰ موشک به فردو، اصفهان و نطنز اصابت کرد. پیامدهای زیست‌محیطی این حملات کدامند؟ جالب اینجاست که تاکنون هر دو طرف به دلایل گوناگون اطلاعات ناچیزی درباره ابعاد خسارات وارده بر تأسیسات اتمی و هسته‌ای در ایران در اختیار افکار عمومی قرار داده‌اند.

در جستجوی اخبار و گزارش‌هایی که بتوانند پاسخ و توضیح سوال بالا باشند، تنها به چند خبر کوتاه برمی‌خوریم. ازجمله؛ گفته گروسی پس از اولین بمباران‌های اسرائیل که، افزایش میزان تشعشعات هسته‌ای گزارش نشده! و یا خبرگزاری مهر نوشته بود که چند نفر در اثر سوختگی به بیمارستان در شهر یزد منتقل شده‌اند و تحت مراقبت ویژه قرار

دارند. این درحالی است که اسرائیل عنوان کرده بود، به مراکز هسته‌ای نطنز و اصفهان در اثر بمباران خسارات جدی وارد کرده است. ورود آمریکا به جنگ ۱۲ روزه با ریختن بمب‌های ۱۵۰۰۰ کیلوئی با انتشار این خبر که مرکز هسته‌ای فردو که در اعماق زمین قرار دارد منهدم شده است. ترامپ این خبر را با افتخار اطلاع رسانی کرد و اسرائیل هم در تل‌آویو بنر "آقای پرزیدنت متشکریم" را بالا برد. هرچند سؤالات و تردیدهای زیادی نسبت به موفقیت این عملیات مطرح شد، اما هیچ صحبتی در مورد اثرات زیانبار ناشی از این بمباران‌ها بر محیط‌زیست و چرخه طبیعت و انسان‌ها نشد. اساساً حمله به مراکز هسته‌ای و اتمی بدلیل تشعشعات زیانبار ممنوع و نقض قوانین بین‌المللی است و از این بابت هم سازمان بین‌المللی انرژی اتمی بدلیل عدم مخالفت و جلوگیری از حمله به تأسیسات اتمی باید پاسخگو باشد و هم اسرائیل و آمریکا بعنوان عوامل حمله نظامی. اسرائیل به ناحق با استناد نادرست به خطر "بالفعل" ایران برای موجودیت اسرائیل جنگ ۱۲ روزه را آغاز کرد، آمریکا بعنوان هم‌پیمان با اسرائیل وارد جنگ شد و با بمب افکن ب۲ مراکز هسته‌ای فردو، نطنز و اصفهان را بمباران کرد. شاید همین قبح نقض حقوق و قوانین بین‌المللی دلیلی بر سکوت آنها در باره انهدام مراکز هسته‌ای و اثرات زیانبار آن باشد!

جمهوری اسلامی بدلیل شوک ناشی از حملات ۱۲ روزه و همچنین برای کنترل و سمت دهی افکار عمومی در باره زیان‌های بلاواسطه و دراز مدت و پنهان خسارات محیط‌زیست اطلاع رسانی نمیکند. حتی اگر گفته گروسی که افزایش تشعشع دیده نشده درست باشد، قابل تصور است، که بمب‌های ۱۵۰۰۰ کیلو سفره‌های آب‌های زیرزمینی را در مناطق بمباران شده در نورددیده و ذخائر محدود آب‌های زیر زمینی نواحی مرکزی را که پیشتر با کمبود روبرو بودند آلوده و حتی غیرقابل بهره برداری کرده است. معلوم نیست از چند هزار سانتریفیوژهای در حال کار و یا در دست احداث و کاراندازی، چند تای آنها آسیب دیده یا منفجر شده است. تبعات ناشی از این انفجارها بتدریج و در دراز مدت آشکار خواهد شد.

محکومیت حمله جنایتکارانه اسرائیل و آمریکا به ایران و نقض آشکار قوانین و حقوق بین‌الملل توسط این دو دولت و کوتاهی سازمان بین‌المللی انرژی اتمی در اجرای وظیفه، نباید این حقیقت آشکار، یعنی نادرستی و زیانبار بودن و مغایر منافع ملی بودن، پروژه هسته‌ای و غنی‌سازی ایران را در سایه قرار دهد. این‌ها یک سیکل شیطانی هستند که همدیگر را تکمیل و موجب دوام یکدیگر می‌شوند. مردم، طبیعت و محیط زیست ایران قربانی این سیکل شیطانی هستند.

تجربه جنگ ۱۲ روزه نشان داد که تخریب طبیعت و زیست‌بوم ایران فقط یک مسأله زیست‌محیطی نیست، بلکه مسأله‌ای امنیتی و ژئوپلیتیکی نیز

است و نظارت بر محیط زیست متوقف یا تضعیف می‌شود. در مناطق جنگ‌زده، مردم ناگزیر از بهره‌برداری شدید و بی‌رویه از منابع طبیعی برای بقا هستند که خود به تخریب بیشتر می‌انجامد. در نتیجه، جنگ نه تنها جان انسان‌ها را می‌گیرد، بلکه طبیعت را نیز به عنوان «قربانی خاموش» در خود می‌بلعد.

جنگ پدیده‌ای شوم است اما آثاری که از خود به جا می‌گذارد، محدود به بازه زمانی رخداد مخاصمات فعال نیست و به ویژه آنگاه که مساله تخریب محیط زیست، آن هم در کشاکش بحران تغییرات اقلیم در میان باشد، آثار و خرابی‌های جنگ می‌تواند از خود آن مرگبارتر و جانکاه‌تر باشد. مثلاً در سرزمینی که دولتش در نتیجه جنگ از رمق افتاده، فقر یورش آورده و ذخایر راهبردی‌اش به انتها رسیده و از دگر سو، تخریب محیط زیست به سبب جنگ و تغییرات آب و هوایی، امکان تهیه آب و غذای سالم را نیز دشوارتر کرده، چرخه خشونت ناگزیر لاینقطع خواهد شد. به نحوی که گویی خشونت، عنصر اساسی برای بقا شده و البته آنان که ضعیف‌ترند را گریزی جز گذار از خانه و کاشانه و آوارگی نخواهد بود. از سوی دیگر، تخریب محیط زیست به واسطه جنگ‌ها و تغییرات اقلیمی، خود می‌تواند در کنار سایر عوامل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، خطر بروز جنگ‌های آینده را تشدید کند.

بر مبنای تحقیق محققان دانشگاه استنفورد، چنانچه تغییرات آب و هوایی منجر به گرمایشی به میزان 2 درجه سانتیگراد شود، خطر رخداد مخاصمات مسلحانه 13 درصد افزایش می‌یابد و اگر افزونی گرمایش به 4 درجه سانتیگراد برسد، احتمال بروز مخاصمات مسلحانه 26 درصد افزایش خواهد یافت.»

نمونه‌های مهم تخریب

تاریخ معاصر پر است از نمونه‌هایی که نشان می‌دهد جنگ چگونه محیط‌زیست را به نابودی می‌کشاند و پیامدهای طولانی‌مدتی بر زندگی انسان‌ها و حیوانات برجای می‌گذارد.

جنگ ویتنام



هست. بازسازی اکوسیستم‌ها به دهه‌ها زمان، میلیاردها دلار هزینه و همکاری بین‌المللی نیاز دارد.

پیشنهادهای

تقویت پدافند غیرعامل و آموزش همگانی برای مقابله با بحران.
- پایش و انتشار شفاف اطلاعات درباره آسیب‌های زیست‌محیطی.
- تدوین برنامه‌های بازسازی و احیای منابع طبیعی.
- الزام طرف‌های متجاوز به پاسخگویی در قبال نقض قوانین بین‌المللی و جبران خسارات.

جنگ‌ها با ایجاد یک چرخه ویرانگر، نه تنها جان و مال مردم، بلکه طبیعت و آینده نسل‌ها را قربانی می‌کنند. قطع این چرخه نیازمند آگاهی، همبستگی و مسئولیت‌پذیری در سطوح ملی و بین‌المللی است.

طبیعت قربانی خاموش جنگ‌ها

جنگ پدیده‌ای شوم است اما آثاری که از خود به جا می‌گذارد، محدود به بازه زمانی رخداد مخاصمات فعال نیست و به ویژه آنگاه که مساله تخریب محیط زیست، آن هم در کشاکش بحران تغییرات اقلیم در میان باشد، آثار و خرابی‌های جنگ می‌تواند از خود آن مرگبارتر و جانکاه‌تر باشد.

جنگ‌ها همیشه ویرانی به همراه دارند؛ معمولاً تعداد کشته‌ها و زخمی‌ها و آسیب به شهرها را ارزیابی می‌کنند، جنگ‌ها فقط تراژدی انسانی نیستند جنگ‌ها آثار ویرانگری بر محیط زیست برجای می‌گذارند که اغلب نادیده گرفته می‌شود. نابودی جنگل‌ها، آلودگی منابع آب، تخریب خاک، و انقراض گونه‌های گیاهی و جانوری از جمله پیامدهای مستقیم و غیرمستقیم درگیری‌های نظامی هستند. در بسیاری از جنگ‌ها، به‌ویژه در مناطق طبیعی یا روستایی، اکوسیستم‌ها به‌طور گسترده آسیب می‌بینند؛ انفجارها، سوختن مزارع، نشت نفت و مواد شیمیایی، و حرکت ماشین‌آلات سنگین نظامی ساختار زیستی را به هم می‌ریزد و بازسازی آن گاه دهه‌ها زمان می‌برد.

علاوه بر خسارات فیزیکی، جنگ‌ها سبب فروپاشی نهادهای محیط زیستی می‌شوند. در شرایط بحرانی، اولویت دولت‌ها بر بقای نظامی و امنیت انسانی

جنگلهایی که از مهمترین منابع اکسیژن جهان و زیستگاه گونه‌های نادر است..

قوانین و واقعیت‌ها

سال ۱۳۵۶ شمسی (۱۹۷۷ میلادی) کنوانسیون ژنو بندهایی برای حفاظت محیط‌زیست در جنگ تصویب کرد. این معاهده می‌گوید استفاده از روش‌ها و سلاح‌هایی که به محیط‌زیست آسیب «گسترده، طولانی‌مدت و شدید» وارد می‌کند، ممنوع است. همچنین تأکید می‌کند محیط طبیعی باید حفظ شود.

اما در عمل این مقررات با مشکلات جدی مواجه‌اند. از یک‌سو، تعبیر مبهم مانند «شدید» و «طولانی‌مدت» اجرای قانون را با مشکل مواجه کرده است و از سوی دیگر، نهادهای نظارتی برای تضمین اجرای این قوانین وجود ندارد. کشورها بیشتر توصیه‌ها را رعایت می‌کنند تا قوانین الزام‌آور را.

همچنین، توافقنامه‌ای پس از جنگ ویتنام تدوین شد که استفاده از تغییرات عمدی و مخرب محیطی مانند باران مصنوعی یا خشکسالی ساختگی را ممنوع می‌کرد. اما این توافقنامه تنها روی کاغذ باقی مانده و تأثیر عملی چندانی نداشته است.

راه‌های نجات طبیعت در جنگ

برای اینکه طبیعت قربانی جنگ‌ها نشود، باید چند اقدام مهم انجام شود:

اول، ابتدا باید حساسیت عمومی نسبت به آسیب‌های محیطی افزایش یابد؛ انتشار گزارش‌های تخصصی و اطلاع‌رسانی مؤثر، افکار عمومی و تصمیم‌گیرندگان را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

دوم، تصویب قوانین بین‌المللی جامع و الزام‌آور ضروری است. این قوانین باید تمام مراحل جنگ از قبل شروع تا بعد از پایان آن را در بر گیرند.

سوم، ایجاد نهادهای مستقل برای نظارت بر اجرای این قوانین و پیگیری جرایم محیط‌زیستی ضروری است تا قدرت بازدارندگی افزایش یابد.

در گام چهارم نیز لازم است حقوق طبیعت به رسمیت شناخته شود تا رودخانه‌ها، جنگل‌ها و حیوانات به‌عنوان ذی‌نفعان مستقل در نظام حقوقی دیده شوند.

و درنهایت، رسانه‌ها و نهادهای آموزشی باید در فرهنگسازی و آموزش نقش فعال داشته باشند تا اهمیت حفاظت محیط‌زیست در جنگ‌ها به‌خوبی درک شود.

در جنگ ویتنام، ارتش آمریکا برای کاهش پوشش جنگلی و محروم کردن نیروهای ویتنام شمالی از پناهگاه‌ها، میلیون‌ها لیتر ماده شیمیایی موسوم به «عامل نارنجی» را بر جنگل‌ها و مزارع این کشور پاشید. این سموم باعث نابودی گسترده گیاهان، مرگ هزاران حیوان و آلودگی خاک و آب شد. اثرات آن تا امروز باقی مانده است و نسل‌های زیادی از انسان‌ها و حیوانات از مشکلات شدید سلامتی، نقص‌های مادرزادی و بیماری‌های مزمن رنج می‌برند. جنگ عراق و کویت

جنگ عراق و کویت که در خلیج فارس اتفاق افتاد، یکی از مخرب‌ترین آثار زیست‌محیطی را به‌جا گذاشت. در طول این جنگ، حدود ۱۱ میلیون بشکه نفت خام به خلیج فارس ریخته شد که بزرگترین نشت نفتی تاریخ بود. این فاجعه باعث کشته‌شدن بیش از ۲۵ هزار پرنده دریایی و آسیب جدی به اکوسیستم‌های دریایی شد.

نفت خام به‌مرور به سواحل و صحرای رسید و دریاچه‌های نفتی به وسعت ۵۰ کیلومترمربع را تشکیل داد. این آلودگی نفتی حتی به سفره‌های آب زیرزمینی نیز وارد شد. علاوه‌براین، دود ناشی از سوختن صدها چاه نفت، بخارات سمی را وارد جو زمین کرد و تا سال‌ها اثرات مخرب آن بر روی پرندگان و موجودات دریایی و خشکی‌زی در حال مطالعه بود.

جنگ داخلی سوریه

جنگ داخلی سوریه که از سال ۲۰۱۱ آغاز شد، زیرساخت‌های حیاتی آب، کشاورزی و محیط‌زیستی را به‌شدت نابود کرد. بمباران سدها و آلودگی منابع آب باعث شد میلیون‌ها نفر در معرض بحران شدید آب و ناامنی غذایی قرار گیرند. وضعیت سوریه نمونه‌ای بارز از تأثیرات بلندمدت و پیچیده جنگ بر طبیعت و انسان است.

جنگ اسرائیل و لبنان

در طی بمباران‌های جنگ سال ۲۰۰۶ اسرائیل و لبنان، حدود ۱۵ هزار تن نفت وارد دریای مدیترانه شد. نشت نفت آنقدر با سرعت بالا پیش رفت که بیش از ۹۰ کیلومتر از خط ساحلی لبنان را آلوده کرد. این سواحل مکان‌های مهمی برای تخم‌گذاری لاک‌پشت‌های دریایی و بسیاری از پرندگان کناره‌زی و وابسته به دریا بودند که آسیب جدی دیدند.

جنگ بوسنی و هرزگوین

در جنگ بوسنی و هرزگوین، مناطق جنگلی وسیعی سوخت و رودخانه‌ها به‌شدت آلوده شدند. تخریب محیط‌زیست در این جنگ باعث کاهش تنوع‌زیستی و مشکلات گسترده برای ساکنان مناطق آسیب‌دیده شد.

جنگ‌های اخیر در جمهوری دموکراتیک کنگو نیز به تخریب گسترده جنگل‌های بارانی منجر شده است؛

تغییرات اقلیمی، حقوق بشر و عدالت اجتماعی

نویسندگان



بری اس. لوی، پزشک و متخصص اپیدمیولوژی

Barry S. Levy MD, MPH



جاناتان پاتز، استاد برجسته ویلاس، رئیس بخش سلامت و محیط زیست جان پی. هولتون

Jonathan A. Patz MD, MPH

مترجم

مریم پورتنگستانی

مقدمه

تغییرات اقلیمی - بحران جهانی آب و هوا - ممکن است مسئله اخلاقی تعیین‌کننده قرن بیست و یکم باشد. پیامدهای زیست‌محیطی و بهداشتی تغییرات اقلیمی، که به طور نامتناسبی کشورهای کم‌درآمد و

افراد فقیر در کشورهای پردرآمد را تحت تأثیر قرار می‌دهد، تأثیرات عمیقی بر حقوق بشر و عدالت اجتماعی دارد. این پیامدها، حقوق مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر، مانند حق امنیت و حق برخورداری از استاندارد زندگی مناسب برای سلامت و رفاه، از جمله غذا، پوشاک، مسکن، مراقبت‌های پزشکی و خدمات اجتماعی لازم را تهدید می‌کنند. آنها حقوق مدنی و سیاسی، مانند "حق ذاتی زندگی" و حقوق مرتبط با فرهنگ، مذهب و زبان، همانطور که در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی آمده است، را تهدید می‌کنند. همچنین حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، همانطور که در میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آمده است، از جمله موارد زیر را تهدید می‌کنند:

- حق تعیین سرنوشت.
- حق تعیین آزادانه وضعیت سیاسی و پیگیری آزادانه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی.
- حق «برخورداری از بالاترین استاندارد قابل دستیابی سلامت جسمی و روانی».
- حق آموزش.

و حقوق زنان را تهدید می‌کنند، همانطور که در کنوانسیون رفع همه اشکال تبعیض علیه زنان، به ویژه زنانی که در مناطق روستایی کشورهای در حال توسعه زندگی می‌کنند و در برابر پیامدهای تغییرات اقلیمی آسیب‌پذیر هستند، گنجانده شده است. دولت‌های ملی وظیفه دارند اطمینان حاصل کنند که همه این حقوق بشر ترویج و محافظت می‌شوند.

کنوانسیون ملل متحد در مورد تغییرات اقلیمی (UNFCCC) یک مکانیزم بین‌المللی برای تسهیل همکاری‌های بین‌المللی در تثبیت غلظت‌های جوّی گازهای گلخانه‌ای است. این کنوانسیون بیان می‌کند: "طرفین باید در کلیه اقدامات مرتبط با تغییرات اقلیمی، کاملاً به حقوق بشر احترام بگذارند." UNFCCC نتیجه‌گیری کرده است که ملاحظات حقوق بشری باید راهنمای توسعه، اجرا و نظارت بر سیاست‌ها، نهادها و مکانیزم‌های مرتبط با اقلیم که تحت چارچوب ملل متحد ایجاد شده‌اند، باشد. اثرات زیست‌محیطی ناگوار ناشی از تغییرات اقلیمی شامل افزایش موارد زیر است:

- دما، و همچنین افزایش فراوانی و/یا مدت زمان موج‌های گرما.
- رویدادهای شدید بارش.
- شدت و/یا مدت زمان خشکسالی‌ها.
- فعالیت‌های شدید طوفان‌های گرمسیری.

• سطح دریا.

پدیده‌های زیست‌محیطی دیگر مرتبط با تغییرات اقلیمی شامل کوچک شدن یخچال‌های طبیعی خشکی، افزایش آلاینده‌های شیمیایی و آلرژن‌های هوایی در هوای محیطی و تغییرات در اکوسیستم‌ها است که تنوع زیستی را کاهش می‌دهد. هیئت بین‌المللی تغییرات اقلیمی ارزیابی‌های جامعی از (الف) تغییراتی که رخ داده و سهم انسان در این تغییرات و (ب) احتمال تغییرات بیشتر انجام داده است.

نابرابری‌ها بین کشورهای مختلف

نابرابری‌های بزرگی بین کشورها در هر دو مورد، مقدار انتشار گازهای گلخانه‌ای (GHG) و اندازه و شدت عواقب منفی سلامتی که به دلیل تغییرات اقلیمی تجربه می‌شود، وجود دارد. کشورهای در حال توسعه بزرگ‌ترین تأثیر را از تغییرات اقلیمی خواهند داشت. به طور کلی، کشورهایی که کمترین سهم را در انتشار GHG دارند، در حال حاضر عواقب منفی بیشتری را به دلیل تغییرات اقلیمی تجربه می‌کنند و احتمالاً به تجربه این عواقب منفی ادامه خواهند داد. به عنوان مثال، در سال ۲۰۰۴، میانگین انتشار GHG به ازای هر نفر در ایالات متحده، کانادا و استرالیا به ۶ تن متریک (mt) نزدیک شد و در ژاپن و کشورهای غربی اروپا بین ۲ تا ۵ mt بود. در مقابل، میانگین سالانه انتشار GHG به ازای هر نفر در کشورهای در حال توسعه به طور کلی تقریباً ۰.۶ mt است و بیش از ۵۰ کشور در حال توسعه دارای میانگین سالانه انتشار GHG به ازای هر نفر کمتر از ۰.۲ mt هستند.

تأثیر اقتصادی بر کشورهای فقیر

با افزایش دمای جهانی، اقتصاد کشورهای ثروتمند همچنان رونق می‌یابد، اما رشد اقتصادی کشورهای فقیر به شدت دچار اختلال شده است شاید بیش از آنچه قبلاً برآورد شده بود. پیامدهای رشد اقتصادی در کشورهای فقیر که اگر ما به مسیر "کسب‌وکار به‌طور معمول" ادامه دهیم و غلظت دی‌اکسید کربن را افزایش دهیم و تغییرات آب و هوایی سریع داشته باشیم، قابل توجه خواهد بود، به‌طوری‌که نرخ رشد سالانه متوسط کشورهای فقیر از ۳.۲٪ به ۲.۶٪ کاهش می‌یابد. کشورهای فقیر احتمالاً بیشتر از کشورهای ثروتمند از تغییرات آب و هوایی آسیب می‌بینند زیرا (الف) بیشتر در معرض دماهای بسیار بالا قرار دارند؛ (ب) اقتصادهای آنها به شدت به کشاورزی، استخراج منابع طبیعی و سایر بخش‌های در معرض تغییرات شدید آب و هوایی وابسته است؛ و (ج) تهویه مطبوع، بیمه و سایر رویکردهای مدیریت ریسک در کشورهای فقیر کمتر از کشورهای ثروتمند در دسترس است.

عوامل خطر

عوامل مختلف اجتماعی-اقتصادی، جمعیتی، بهداشتی، جغرافیایی و سایر عوامل خطر، مانند فقر، وضعیت اقلیت، جنسیت زن، سنین جوان یا پیر، و بیماری‌ها و ناتوانی‌های مختلف، سبب می‌شوند که جمعیت‌ها یا زیرگروه‌هایی درون جمعیت‌ها نسبت به اثرات منفی بهداشتی تغییرات اقلیمی آسیب‌پذیرتر شوند. اثرات منفی بهداشتی ناشی از تغییرات اقلیمی احتمالاً به شدت در جمعیت‌های کم‌درآمد در عرض‌های جغرافیایی پایین متمرکز خواهد بود، مکان‌هایی که نتایج بهداشتی حساس به اقلیم (مانند سوء تغذیه، اسهال و مالاریا) بسیار شایع است و بیشترین آسیب را خواهند دید. سایر عوامل خطر جغرافیایی شامل سکونت در مناطقی با (الف) بیماری‌های اپیدمیک مرتبط با الگوهای اقلیمی، مانند وبا مرتبط با نوسانات جنوبی ال نینو؛ (ب) کاهش دسترسی به آب یا غذا به دلیل خشکسالی یا سایر پیامدهای تغییرات اقلیمی؛ و (ج) افزایش خطر بیماری‌های قابل انتقال از طریق حشرات یا آب است.

عدم توازن در میان زیرگروه‌های جمعیتی

عواقب منفی تغییرات آب و هوایی ممکن است بیشترین تأثیر را بر جمعیت‌هایی که از موارد نقض حقوق بشر رنج می‌برند، بگذارند، مانند ساکنان کشورهای با درآمد پایین و ساکنان جوامع با درآمد پایین در کشورهای با درآمد بالا، همچنین گروه‌های اقلیت، افراد بیکار، افراد مبتلا به بیماری‌های مزمن و ناتوانی‌ها، و افرادی که در محیط‌های ناامن یا حاشیه‌ای زندگی می‌کنند.

زنان

تغییرات آب و هوایی به طرق متعددی بر زنان تأثیر نامتناسبی می‌گذارد. در کشورهای با درآمد پایین، زنان معمولاً مسئولیت اصلی جمع‌آوری آب، غذا و سوخت برای خانوارهایشان را بر عهده دارند. خشکسالی‌های ناشی از تغییرات آب و هوایی این کار را بسیار دشوارتر می‌سازد زیرا دسترسی کمتری به آب دارد، تولید کشاورزی کاهش می‌یابد و چوب مورد نیاز برای سوخت باید از مکان‌های دورتر به دست آید. با توجه به اینکه زنان با چالش‌های بیشتری در جمع‌آوری آب مواجه هستند، ممکن است خطرات بیشتری از نظر آسیب و تجاوز را تجربه کنند. زنان نرخ مرگ و میر بالاتری نسبت به مردان در اثر رویدادهای آب و هوایی شدید، مانند طوفان‌ها دارند. زنان باردار به ویژه در برابر بیماری‌های منتقله از طریق ناقل، مانند مالاریا و بیماری‌های منتقله از آب آسیب‌پذیرتر هستند. به دلیل تعصبات و تبعیض‌های دیرینه، در بسیاری از کشورها زنان منابع کمتری برای مقابله با خسارات و ضررهای ناشی از رویدادهای شدید آب و هوایی دارند.

کودکان

اینوتیها و سایر اقوام قطبی در حال تجربه پیامدهای عمده تغییرات اقلیمی هستند به دلیل گرمایش غیرمعمول در منطقه قطب شمال. مستعمرات در دلتاها یا دشت‌های کم‌ارتفاع در معرض خطر افزایش سطح دریا و سیلاب هستند. مستعمرات کوهستانی، مانند آنهایی که در آند و هیمالیا وجود دارند و به برف برای آب شیرین وابسته هستند، نیز در معرض خطر بالایی قرار دارند.

کارگران

کارگران در بسیاری از مشاغل نیز در معرض خطر بیشتری قرار دارند. آنها شامل موارد زیر هستند:

- کارگران فضای باز که در گرماهای زیاد کار می‌کنند.
- سایر کارگران که در معرض دماهای شدید یا بارش قرار دارند.
- کارگران در معرض آلودگی‌های هوا، عوامل عفونی، آتش‌سوزی‌های طبیعی، رویدادهای آب و هوایی شدید و/یا استرس‌های روانی.
- کارگران در صنایع خاص: utilities، حمل و نقل، پاسخ به وضعیت اضطراری، مراقبت‌های بهداشتی، بهسازی زیست‌محیطی، ساخت و ساز، تخریب، محوطه‌سازی، کشاورزی، جنگل‌داری، مدیریت حیات وحش، تولید سنگین و کار در انبار.

عواقب زیست‌محیطی و سلامتی که بر جمعیت‌های آسیب‌پذیر تأثیر می‌گذارد

موج‌های گرما

موج‌های گرما، که در سال‌های اخیر افزایش فراوانی داشته‌اند، باعث بروز انواع اختلالات مرتبط با گرما و تشدید بیماری‌های قلبی-عروقی، اختلالات تنفسی و سایر بیماری‌های مزمن می‌شوند. (علاوه بر این، گرمای افزوده عواقب نامطلوبی بر بهره‌وری کار و فعالیت‌های روزمره دارد.) مطالعات مربوط به موج‌های گرما و عواقب بهداشتی نامطلوب آنها، جمعیت‌های آسیب‌پذیر را که به‌ویژه در معرض خطر بیماری و مرگ و میر هستند، شناسایی کرده‌اند، از جمله افراد مسن، افرادی که به تنهایی زندگی می‌کنند، جمعیت‌های شهری، و کسانی که در خانه‌هایی بدون تهویه مطبوع زندگی می‌کنند. یک مطالعه در اروپا تفاوت‌های جغرافیایی در مرگ و میر به‌عنوان نتیجه موج‌های گرما را نشان داد.

رویدادهای آب و هوایی شدید

تغییرات اقلیمی در حال افزایش است و احتمالاً رویدادهای آب و هوایی شدیدتری مانند گردبادها یا طوفان‌ها را ایجاد خواهد کرد و بارندگی و سیلاب را در برخی مناطق افزایش داده است. علاوه بر این، تغییرات اقلیمی در سایر مناطق، تعداد، شدت و مدت

تغییرات آب و هوایی به طرق مختلف بر کودکان تأثیر منفی می‌گذارد. طبق اعلام سازمان بهداشت جهانی (WHO)، ۸۸٪ از بار بیماری‌هایی که می‌توان آن را به تغییرات آب و هوایی نسبت داد، شامل کودکان زیر ۵ سال است. کمبود آب و غذا به افزایش وقوع سوء تغذیه در کودکان و کاهش احتمال دریافت آموزش مناسب توسط کودکان منجر می‌شود. علاوه بر این، کودکان نسبت به بزرگسالان در برابر رویدادهای جوی شدید و سایر بلایای طبیعی آسیب‌پذیرتر هستند، زیرا آنها از قدرت جسمانی کمتری برخوردارند و در خلال بلایا ممکن است از والدین خود جدا شوند. مانند زنان، کودکان به ویژه در برابر بیماری‌های منتقل‌شونده به وسیله حشرات، مانند مالاریا، و بیماری‌های منتقله از آب آسیب‌پذیر هستند. از آنجا که نتایج بهداشتی حساس به تغییرات آب و هوایی، مانند سوء تغذیه، اسهال و مالاریا، عمدتاً بر کودکان تأثیر می‌گذارد، بار کلی بیماری ناشی از تغییرات آب و هوایی ظاهراً عمدتاً بر دوش کودکان در کشورهای در حال توسعه است. تغییرات آب و هوایی احتمالاً وقوع موارد زیر را افزایش خواهد داد:

- اسهال در مناطقی که عمدتاً از کشورهای در حال توسعه تشکیل شده‌اند، تا ۸٪ تا ۹٪ تا سال ۲۰۳۰.
- سوء تغذیه در یک زیر منطقه از منطقه جنوب شرق آسیا که شامل هند، بنگلادش و ۵ کشور کوچک‌تر است، تا ۱۷٪ تا سال ۲۰۳۰.
- مرگ و میر ناشی از سیل‌های ساحلی در یک زیر منطقه از منطقه اروپا که شامل آلبانی، بلغارستان، لهستان، رومانی، ترکیه و ۱۱ کشور دیگر است، تا ۶۲۰٪ تا سال ۲۰۳۰.
- مرگ و میر ناشی از سیل‌های داخلی در یک زیر منطقه از منطقه آمریکا که شامل ایالات متحده، کانادا و کوبا است، تا ۸۰۰٪ تا سال ۲۰۳۰.
- مالاریا فالسیپوم، به ویژه در مناطق آفریقایی که به شدت بومی است.

مردم بومی

مردم بومی به ویژه در برابر پیامدهای نامطلوب تغییرات اقلیمی آسیب‌پذیر هستند، بخشی به این دلیل که زندگی آنها به شدت به محیط طبیعی وابسته است. پیامدهای زیست‌محیطی تغییرات اقلیمی می‌توانند به رفاه جسمی مردم بومی آسیب برسانند، از جمله توانایی آنها در دستیابی به غذای کافی، آب و سرپناه، بلکه همچنین به رفاه معنوی آنها، به دلیل اینکه زمین اغلب بخشی جدایی‌ناپذیر از فرهنگ و هویت معنوی آنهاست. عوامل جغرافیایی نیز می‌توانند بر آسیب‌پذیری مردم بومی در برابر اثرات نامطلوب تغییرات اقلیمی تأثیر بگذارند. برای مثال،

خواهد کرد. گزارش‌ها و مطالعات زیادی در مورد روش‌هایی که تغییرات آب و هوا موجب مهاجرت اجباری خواهند شد، وجود دارد.

آلودگی هوا

تغییرات اقلیمی احتمالاً باعث افزایش آلاینده‌های شیمیایی هوا، مانند ازن می‌شود. اختلالات تنفسی ناشی از آن، که در حال حاضر بیشتر در میان جمعیت‌های کم‌درآمد و اقلیت‌ها شایع است، احتمالاً افزایش می‌یابد و تأثیر آن در این جمعیت‌ها بیشتر خواهد بود.

زیرا دی‌اکسید کربن رشد گیاهان را تحریک می‌کند، از جمله رشد گونه‌های آلرژی‌زا، تغییرات اقلیمی احتمالاً باعث افزایش آلرژی‌زایی و توزیع گرده و سایر آلرژی‌های هوایی می‌شود و به تبع آن شیوع و شدت اختلالات تنفسی آلرژیک افزایش می‌یابد.

عدم امنیت غذایی و سوءتغذیه

تغییرات اقلیمی و شرایط زیست‌محیطی مرتبط، مانند خشکسالی و سیلاب‌ها، احتمالاً بر توانایی تولید غذای کافی برای جمعیت‌های در حال رشد سریع تأثیر منفی خواهند داشت. در نتیجه، امنیت غذایی و تغذیه احتمالاً بدتر خواهد شد، به‌ویژه برای افراد فقیر در کشورهای کم‌درآمد. شیوع سوءتغذیه حاد و مزمن در کودکان، با اثرات نامطلوب همراه بر توسعه فیزیکی و ذهنی، احتمالاً افزایش خواهد یافت، به‌ویژه در آن کشورهای کم‌درآمد که از پیش به شدت تحت تأثیر سوءتغذیه قرار دارند. گزارش‌ها و مطالعه‌های بسیاری به موضوع عدم امنیت غذایی و سوءتغذیه پرداخته‌اند. افزایش قیمت غذا ناشی از تغییرات اقلیمی همچنین بر وضعیت تغذیه کودکان و سایر جمعیت‌های آسیب‌پذیر تأثیر منفی خواهد گذاشت.

بیماری‌های منتقله از طریق ناقل

تغییرات اقلیمی، همراه با رشد جمعیت انسانی، افزایش شهرنشینی، تغییرات سیاسی و جمعیتی، و افزایش حرکت بین‌المللی مردم و مواد، تأثیر عمیقی بر توزیع و فراوانی ناقل‌ها و باکتری‌هایی که می‌توانند منتقل کنند، دارد. به همین دلیل، تغییرات عمده‌ای در الگوهای بیماری‌های منتقله از طریق ناقل، از جمله مالاریا، تب دره ریو، آنسفالیت ناشی از کنه و بیماری ویروس نیل غربی، رخ داده و ادامه خواهد داشت. به‌طور کلی، افراد در کشورهای کم‌درآمد و افرادی که در کشورهای با درآمد بالا فقیر هستند، به این بیماری‌ها آسیب‌پذیرتر هستند.

بیماری‌های منتقله از طریق آب و غذا

تغییرات اقلیمی به طرق مختلف بر وقوع بیماری‌های منتقله از طریق آب و غذا تأثیر می‌گذارد. بارش شدید و سیلاب‌های ناشی از آن می‌توانند سیستم‌های

خشکسالی‌ها را افزایش می‌دهد. افراد فقیر و حاشیه‌نشینی که در دشت‌های سیلابی و مناطق مستعد خشکسالی زندگی می‌کنند، به‌ویژه در برابر رویدادهای آب و هوایی شدید و عواقب نامطلوب آنها در زمینه سلامت و حقوق بشر آسیب‌پذیر هستند. نسبت به سایر جمعیت‌ها، آنها عموماً از خدمات پیشگیرانه و حفاظتی دسترسی ندارند و از تاب‌آوری اجتماعی-اقتصادی لازم برای مقابله با عواقب نامطلوب این رویدادها بی‌بهره‌اند.

خطر بلایای طبیعی

خطر تحت تأثیر قرار گرفتن از بلایای طبیعی مرتبط با آب و هوا در کشورهای در حال توسعه تقریباً 80 برابر بیشتر از کشورهای توسعه‌یافته است. تأثیر منفی نامتناسب رویدادهای شدید آب و هوایی بر فقرا در طوفان کاترینا در سال 2005 به وضوح نشان داده شد. دمای بالاتر آب در خلیج مکزیک، که ناشی از تغییرات آب و هوایی بود، قدرت کاترینا را در حالی که از روی خلیج در مسیر خود به نیواورلئان و مناطق مجاور عبور می‌کرد، افزایش داد. با این حال، علیرغم اینکه این طوفان بر تمام نیواورلئان تأثیر گذاشت، آسیب‌پذیرترین جمعیت‌ها، از جمله فقرا، افرادی که قدرت سیاسی کمی دارند یا هیچ‌گونه قدرت سیاسی ندارند و افراد رنگین‌پوست، بیشترین آسیب را متحمل شدند. در حالی که هلیکوپترها افراد آسیب‌دیده را از روی بام بیمارستان‌های خصوصی خارج کردند، درخواست‌های کمک از بیمارستان‌های خیریه اغلب نادیده گرفته شد. ساکنان محله‌های ثروتمند توانستند نیواورلئان را با وسایل نقلیه خود ترک کنند، در حالی که مردم فقیر که معمولاً از مناطق پایین‌تر بودند اغلب در خانه‌های خود یا نزدیک آن محبوس بودند و در صورتی که زنده می‌ماندند، مجبور به جستجوی پناهگاه‌های کوتاه‌مدت مانند در سوپر دام overcrowded و پناهگاه‌های بلندمدت می‌شدند که اغلب خارج از نیواورلئان بود زیرا مسکن‌های کم‌درآمد در آنجا بسیار محدودتر شده بود.

سطح دریاها

سطح متوسط دریا در سراسر جهان در طول 100 سال گذشته حدود 20 سانتی‌متر (8 اینچ) افزایش یافته است، که میزان بسیار بیشتری نسبت به 2000 سال گذشته است. افزایش سطح دریا باعث تشدید فرسایش سواحل، تشدید طوفان‌های دریایی، غرق شدن مناطق پایین‌دست و افزایش شوری آبخوان‌های ساحلی می‌شود. همچنین افزایش سطح دریا تهدیدی برای غرق شدن کشورهای ساحلی پایین‌دست، مانند بنگلادش و کشورهای جزیره‌ای کوچک و پایین‌دست در اقیانوس آرام، مانند تووالو و کیریباتی است. افزایش سطح دریا و سایر عواقب تغییرات آب و هوایی (مانند خشکسالی) احتمالاً میلیون‌ها نفر را به پناهندگان محیط‌زیستی تبدیل

نامتناسبی بر افراد با وضعیت اقتصادی-اجتماعی پایین‌تر تأثیر می‌گذارد.

پرداختن به تغییرات اقلیمی در حالی که حقوق بشر را حفظ می‌کنیم

استراتژی‌های مربوط به تغییرات اقلیمی به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند: (الف) کاهش (پیشگیری اولیه)، که شامل اقداماتی برای تثبیت یا کاهش تولید گازهای گلخانه‌ای (GHG) است؛ و (ب) تطبیق (پیشگیری ثانویه)، که شامل اقداماتی است برای کاهش تأثیرات بهداشت عمومی ناشی از تغییرات اقلیمی. کمیسیون بهداشت و تغییرات اقلیمی در سال ۲۰۱۵ سیاست‌های لازم برای پاسخ به تأثیرات تغییرات اقلیمی را شناسایی کرده است تا "استانداردهای بالای سلامت را برای جمعیت‌های جهانی تضمین کند." از آنجا که تغییرات اقلیمی بر حقوق بشر تأثیر منفی می‌گذارد، این حقوق باید در طراحی و اجرای اقدام‌های کاهش و تطبیق در نظر گرفته شود.

سازمان‌های بین‌المللی و دولت‌ها در سطوح ملی، ایالتی/استانی و محلی باید تضمین کنند که حقوق بشر در روند توسعه و اجرای اقدام‌های کاهش و تطبیق در نظر گرفته شود. سازمان‌های غیردولتی و انسانی باید دولت‌ها را در حفاظت و ارتقاء این حقوق بشر پاسخگو نگه دارند. وقتی نقض حقوق بشر رخ می‌دهد، دولت‌ها باید سیستم‌های نظارتی را برای شناسایی و پاسخ به هرگونه نقض‌های بیشتر توسعه و اجرا کنند. دولت‌ها باید مشارکت چند بخشی از نهادها و سازمان‌ها را هماهنگ کنند و به حفاظت از جمعیت‌های آسیب‌پذیر تمرکز کنند. دولت‌ها باید نه تنها به مسائل فوری رسیدگی کنند بلکه باید استراتژی‌ها و برنامه‌های بلندمدت را برای حفاظت و ارتقاء حقوق بشر تهدید شده توسط تغییرات اقلیمی توسعه دهند.

کاهش تغییرات اقلیمی

کاهش تغییرات اقلیمی برای دستیابی به راه‌حل‌های حفاظتی بهداشتی ضروری است که ماندگار خواهند بود. تثبیت یا کاهش تولید GHG می‌تواند با اجرای سیاست‌ها و استفاده از فن‌آوری‌ها انجام شود. سیاست‌های ترویج و تسهیل کاهش می‌توانند در بیشتر بخش‌های جامعه توسعه و اجرا شوند و منجر به کسب بهره‌وری بالا در بخش‌های انرژی، حمل و نقل و کشاورزی شوند. سیاست‌های انرژی می‌توانند استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر را ترویج دهند، استفاده از سوخت‌های فسیلی را کاهش دهند و تقاضای انرژی را کاهش دهند. سیاست‌های حمل و نقل می‌توانند پیاده‌روی و دوچرخه‌سواری (حمل و نقل فعال) و همچنین استفاده از وسایل نقلیه با مصرف سوخت بهینه را ترویج دهند. سیاست‌های

تأمین آب را آلوده کرده و منجر به افزایش بیماری‌های گوارشی شوند. به‌عنوان مثال، یک مطالعه در هند رابطه‌ای بین بارش‌های شدید و پذیرش بیماران در بیمارستان به دلیل بیماری‌های گوارشی پیدا کرده است. خشکسالی می‌تواند به کاهش دسترسی به آب آشامیدنی ایمن منجر شود؛ به‌عنوان مثال، یک مطالعه جهانی نشان داده که اسهال در کودکان ممکن است در مواقع بارش کمتر افزایش یابد و پیشنهاد می‌کند که وقتی دسترسی به آب کمتر است، بهداشت ضعیف می‌تواند باعث افزایش بیماری‌های گوارشی شود. علاوه بر این، حوادث طوفانی می‌توانند به زیرساخت‌های فاضلاب فرسوده در مناطق شهری فشار وارد کنند.

خشونت‌های جمعی

تغییرات اقلیمی احتمالاً فراوانی جهانی خشونت‌های جمعی، شامل جنگ و اشکال دیگر تضاد مسلحانه، خشونت دولتی (مانند نسل‌کشی و شکنجه) و جرم‌های سازمان‌یافته (مانند جنگ باند‌ها) را افزایش می‌دهد. متا-تحلیل‌ها شواهد قوی از وجود رابطه بین تغییرات اقلیمی و خشونت ارائه می‌دهند؛ به‌عنوان مثال، یک متا-تحلیل و بررسی مبتنی بر ۵۰ مطالعه کمی از رابطه بین متغیرهای اقلیمی و خصومت (همچنین ناپایداری اجتماعی-سیاسی) نشان داد که وقتی دما بالا و بارش شدید وجود دارد، هم ناپایداری اجتماعی-سیاسی و هم تضاد افزایش می‌یابد. این متا-تحلیل نشان داد که بهترین مطالعات طراحی‌شده روابط قوی‌ای بین ناهنجاری‌های اقلیمی و ناپایداری اجتماعی و تضاد یافته‌اند و همچنین نشان داد که رویدادهای اقلیمی می‌توانند بر انواع مختلف تضاد در مقیاس‌های فضایی گسترده تأثیر بگذارند. کمبود منابع زیست‌محیطی کلیدی، مانند زمین‌های زراعی، جنگل‌ها، آب‌های رودخانه و ماهی، می‌تواند به تضادهای خشونت‌آمیز منجر شود. خشونت جمعی احتمالاً بیشتر بر جمعیت‌های کشورهای کم‌درآمد و افراد فقیر در کشورهای با درآمد متوسط و بالا تأثیر خواهد گذاشت. یافته‌های یک مطالعه اخیر در سن‌لویس نشان می‌دهد که حتی در کشورهای با درآمد بالا، محله‌هایی که سطوح بالاتری از نابرابری اجتماعی دارند احتمالاً سطوح بالاتری از خشونت را به دلیل دماهای غیرعادی گرم تجربه می‌کنند.

مشکلات بهداشت روانی

تأثیرات بهداشت روانی ناشی از تغییرات اقلیمی عبارتند از (الف) تأثیرات مستقیم رویدادهای جوی افراطی، بلایا و محیط تغییر یافته؛ (ب) تأثیرات غیرمستقیم، مبتنی بر مشاهده رویدادهای جهانی و نگرانی در مورد خطرات آینده؛ و (ج) تأثیرات غیرمستقیم روان‌شناختی در سطح جامعه و منطقه‌ای. این تأثیرات بهداشت روانی به‌طور

کشورهای کم‌درآمد، افراد فقیر در مناطق شهری به‌ویژه در برابر نوسانات قیمت غذا آسیب‌پذیر هستند زیرا بیشتر مواد غذایی خود را خریداری می‌کنند، به‌جای اینکه خودشان کمی بکارند.

مالیات کربن و برابری

در هر کشوری، افزایش قیمت سوخت به‌طور نامتناسبی بر جمعیت‌های فقیر تأثیر می‌گذارد. در سطح جهانی، بسیاری از خانوارها در "فقر سوختی" به‌سر می‌برند (نیاز به صرف بیش از ۱۰٪ از درآمد خود برای سوخت). افراد در این خانوارها باید بنابراین به منابع انرژی مقرون‌به‌صرفه‌تری، مانند سوخت زیستی، که غلظت‌های بالایی از آلاینده‌های مضر داخلی را تولید می‌کنند، تکیه کنند. تخمین زده می‌شود که ۲.۴ میلیارد نفر از سوخت زیستی برای پخت و پز استفاده می‌کنند و تقریباً ۴.۳ میلیون نفر در سال به دلیل آلودگی داخلی از اجاق‌هایی که ناکارآمد و/یا بدون تهویه هستند، جان خود را از دست می‌دهند. علاوه بر این، زمان صرف شده برای جمع‌آوری چوب یا کود برای سوخت مانع از صرف زمان برای تحصیل می‌شود، به‌ویژه برای دختران. در مجموع، اقدام‌های کاهش می‌توانند با افزایش قیمت انرژی و واداشتن مردم به استفاده از سوخت‌های بسیار آلوده‌کننده، بر سلامت تأثیر منفی بگذارند.

قدرت الکتریکی متمرکز شده در برابر توزیع‌شده

قطع برق در کشورهای کم‌درآمد عموماً رایج است و به‌طور متوسط بیش از ۱۴۴ ساعت در ماه در حدود ۱۷٪ از کشورهای کم‌درآمد اتفاق می‌افتد. برقرسانی روستایی در کشورهای کم‌توسعه یافته مانند اتیوپی که ۸۵٪ از جمعیت آن در مناطق روستایی زندگی می‌کند، غیر معمول است. از نظر اقتصادی و مهندسی، ارائه برق به افراد پراکنده با استفاده از مدل‌های سنتی برقرسانی مبتنی بر تولید، انتقال و توزیع متمرکز برق غیرعملی است. در مقابل، paradigma برقرسانی «پایین به بالا و به‌طور گسترده توزیع شده» که از فناوری میکروگرید، مانند سدهای کوچک هیدروالکتریک، آسیاب‌های بادی و پانل‌های خورشیدی استفاده می‌کند، گزینه‌ای عملی و عادلانه‌تر ارائه می‌دهد.

محله‌های دوچرخه‌سواری و برابری مسائل عدالت

عدالت زمانی بروز می‌کند که برای ایجاد محله‌های دوچرخه‌سواری بیشتر برنامه‌ریزی می‌شود زیرا افراد با درآمد بالا احتمال بیشتری دارند که دوچرخه‌سواران منظم باشند. علاوه بر این، جوامع ثروتمندتر دارای پایه‌های مالیاتی بالاتری برای حمایت از حمل و نقل فعال با مسیرهای دوچرخه و پیاده‌روها هستند. ساکنان محله‌های با درآمد بالا نسبت به ساکنان

کشاورزی می‌توانند به کاهش تولید و مصرف گوشت، توسعه مناسب سوخت‌های زیستی و کاهش انتشار متان کمک کنند. کاهش همچنین می‌تواند با افزایش جذب GHG از جو با استفاده از چاه‌های دی‌اکسید کربن (مانند جنگل‌ها) و اجرای سیاست‌های استفاده از زمین که به استفاده و گسترش جنگل‌ها کمک می‌کنند، انجام شود. علاوه بر این، کاهش نرخ رشد جمعیت می‌تواند نقشی مهم در کاهش تقاضای انرژی ایفا کند.

اقدام‌های کاهش می‌توانند به شیوه‌ای طراحی و اجرا شوند که هم کاهش انتشار GHG و هم بهبود سلامتی انسان را محقق کند. به‌عنوان مثال، سیاست‌های حمل و نقل که ترویج و تسهیل حمل و نقل فعال امن را در بر می‌گیرند می‌تواند انتشار GHG را کاهش داده و همچنین فعالیت بدنی را افزایش دهند، وضعیت سلامت را بهبود دهند و از بیماری‌های قلبی عروقی و سایر اختلالات پیشگیری کنند.

سوخت‌های زیستی و نوسانات قیمت غذا

اقدام‌های کاهش ممکن است عوارض ناخواسته‌ای داشته باشند که به جمعیت‌های آسیب‌پذیر آسیب می‌زنند. برخی از اقدام‌های کاهش که برای کاهش انتشار GHG و سایر علل تغییرات اقلیمی طراحی شده‌اند ممکن است به‌ویژه به فقرا آسیب برسانند. به‌عنوان مثال، استفاده از زمین‌های کشاورزی برای کشت محصولات به‌منظور سوخت‌های زیستی می‌تواند زمین‌های موجود برای کشت غذا را کاهش دهد و در نتیجه قیمت غذا را افزایش داده و دسترسی به غذا را کاهش دهد.

سیاست سوخت‌های زیستی بر قیمت‌های کالاهای غذایی دانه‌های خوراکی با پیوستن روغن‌دانه‌ها به قیمت‌های بیودیزل و پیوستن ذرت به قیمت‌های اتانول تأثیر می‌گذارد. تولید سوخت‌های زیستی به نوسانات قیمت غذا مرتبط شده است که عدم امنیت غذایی را تشدید کرده و به‌ویژه برای فقیرترین افراد جهان که بالاترین نسبت‌های درآمدشان را به غذا اختصاص می‌دهند، مشکل‌ساز است. واگذاری غذا و علوفه به تولید سوخت‌های زیستی به‌طور قابل توجهی قیمت غذا را در سطح جهانی افزایش داده است. در سال ۲۰۱۱ تخمین زده شده که سوخت‌های زیستی تا ۲۰٪ تا ۴۰٪ افزایش‌های قیمت غذا را حساب می‌کنند. قیمت اتانول و ذرت به‌طور نزدیک به هم مرتبط هستند؛ به‌طوری‌که با افزایش ۱ سنت در هر گالن قیمت اتانول، قیمت ذرت ۴ سنت در هر بوشل افزایش می‌یابد.

خانوارهای متوسط ایالات متحده نسبت به خانوارهای متوسط در هر کشور دیگری بخش کمتری از درآمد خود را به غذا اختصاص می‌دهند — تنها ۶٪ در مقایسه با ۸۰٪ در فقیرترین خانوارهای

محل‌های با درآمد پایین، زیبایی‌های بیشتری، ایمنی ترافیک بیشتر، جرم و جنایت کمتر و دسترسی بیشتری به مراکز تفریحی گزارش می‌کنند. اگرچه محل‌های ثروتمند می‌توانند تعداد نامتناسبی از پروژه‌های جدید دوچرخه‌سواری را جذب کنند، دوچرخه‌سواری در ایالات متحده همچنین به طور معکوس با درآمد مرتبط است. مالکیت خودرو در میان افراد فقیر کمتر است و دوچرخه‌سواری شکلی کم‌هزینه و عملی از حمل و نقل است. اگرچه افزایش ورزش ناشی از دوچرخه‌سواری می‌تواند به بهبود سلامت منجر شود، اما جاده‌ها به طور کلی در جوامع فقیرتر کمتر ایمن هستند.

اقدامات سازگاری

اقدامات سازگاری برای کاهش تأثیر تغییرات آب و هوایی بر سلامت عمومی و سیستم‌های اجتماعی طراحی و اجرا می‌شوند. به عنوان مثال، برنامه‌ریزی برای رویدادهای آب و هوایی شدید می‌تواند به بهبود آمادگی در چندین بخش منجر شود که در نتیجه می‌تواند پاسخ‌های اضطراری را بهبود بخشد و می‌تواند میزان بیماری و مرگ و میر ناشی از این رویدادهای آب و هوایی را به حداقل برساند. به عنوان مثال دیگر، نظارت بر سلامت عمومی برای شناسایی روندها و شیوع بیماری در مراحل اولیه می‌تواند به کنترل و پیشگیری مؤثرتر از این مشکلات منجر شود. جمعیت‌های حاشیه‌ای مانند افراد کم‌درآمد، جوامع بومی و سایر گروه‌های آسیب‌پذیر در مقایسه با سایر جمعیت‌ها بار بالاتری از عوارض بهداشتی منفی به خاطر تغییرات آب و هوایی دارند و همچنین منابع کمتری برای سازگاری با تغییرات آب و هوایی دارند. این جمعیت‌ها معمولاً هیچ یا تقریباً هیچ نقشی در تصمیم‌گیری‌هایی که بر زندگی آنها تأثیر می‌گذارد، ندارند. در نتیجه، تغییرات آب و هوایی تهدیدی است که به بدتر شدن نابرابری‌های موجود اقتصادی و بهداشتی درون و بین جوامع منجر می‌شود.

اقدامات سازگاری و حقوق بشر

اقدامات سازگاری یک گروه نباید برای گروه‌های دیگر خطر ایجاد کند. به عنوان مثال، گرمای اضافی ناشی از تهویه مطبوع می‌تواند هوای بیرونی را بیش از ۱ درجه سانتی‌گراد گرم کند؛ بنابراین، تهویه مطبوع می‌تواند در معرض گرمای شهری قرار گرفتن را تشدید کرده و خطرات بعدی را برای افرادی که قادر به خرید تهویه مطبوع نیستند، به وجود آورد. ظرفیت سازگاری جمعیت‌ها در برابر یک خطر مشابه به طور قابل توجهی متفاوت است. به عنوان مثال، هلند که دارای سیستم مهندسی شده بسیار خوبی از سیل‌بندها است، ظرفیت بسیار بیشتری برای سازگاری با افزایش سطح دریا دارد نسبت به یک کشور در حال توسعه با زمین‌های مشابه، مانند بنگلادش. علاوه بر این، اقدامات سازگاری مختلف

تأثیرات متفاوتی بر حقوق بشر خواهند داشت. اغلب یک رویکرد اکولوژیک، به جای یک رویکرد مهندسی، به نفع افراد بیشتری خواهد بود. به عنوان مثال، با افزایش سطح دریا، دیواره‌های دریا اغلب برای تثبیت سواحل استفاده می‌شوند. با این حال، در ویتنام، کاشت مانگروها برای حفاظت در برابر طوفان تقریباً ۸۵٪ کمتر از ساخت و نگهداری دیواره‌ها یا سیل‌بندها برای این هدف هزینه دارد. مانگروها همچنین تالاب‌ها و زنجیره‌های غذایی دریایی را که از صید محلی حمایت می‌کنند، حفظ می‌کنند. بنابراین، ساخت دیواره‌های دریا می‌تواند معیشت ماهی‌گیران را تهدید کند، در حالی که رویکرد اکولوژیکی می‌تواند بهبود زندگی آنها را ممکن سازد.

تأمین نسل‌های آینده

چه مقدار پول باید برای کاهش تغییرات آب و هوایی توسط نسل فعلی برای منافع نسل‌های آینده هزینه شود؟ آیا زندگی که امروز نجات می‌یابد بیشتر از زندگی است که در آینده نجات پیدا می‌کند؟ آیا باید سلامت و رفاه نسل‌های آینده تخفیف داده شود؟ توجیهات مربوط به تخفیف مزایای بهداشتی نسل‌های آینده شامل موارد زیر است: مردم تمایل دارند مزایای حال را بیشتر از مزایای آینده ارزشمند بدانند؛ نسل فعلی به طور اخلاقی حق بیشتری دارد که به خود اهمیت دهد تا به نسل‌های آینده؛ و مردم در آینده از سلامت و رفاه بهتری نسبت به مردم اکنون برخوردار خواهند بود. فرضیات مربوط به ارزش‌گذاری سلامت و رفاه نسل‌های آینده بر تصمیمات سیاست‌گذاری مربوط به تغییرات آب و هوایی تأثیر می‌گذارد.

نتیجه گیری

بحران جهانی آب و هوا اکثر مردم و حقوق بشر آنها را تهدید می‌کند. پیامدهای منفی تغییرات آب و هوایی بدتر خواهد شد. پرداختن به تغییرات آب و هوایی یک اولویت بهداشتی و حقوق بشری است و اقدام به عملی ساختن آن نباید به تأخیر بیفتد. اقدامات کاهش و سازگاری باید عادلانه باشد و از حقوق بشر محافظت و آنها را ترویج کند.

**نظرات و پیشنهادهای خود را
به ایمیل دفترچه "چالش‌های
زیست بومی" ارسال کنید**

chalesshezistbum@gmail.com